



10.30495/QSF.2023.1901447.2189

*Research Article*

# The Role of Synonymy in Causing Inconsistencies in the Choice of Equivalents in Farsi Translations of the Holy Qur'an: A Case of the Twelve Contemporary Translations of the Ash-Shams and Al-Balad Suras

Mostafa Kamaljo<sup>1\*</sup> , Mehdi Shahrokh<sup>2</sup>

## Abstract

The Holy Quran is a book for human guidance in Arabic, whose understanding is only available through translation to those who do not know Arabic. None of the translations of the Qur'an can ever compare with its Arabic origin and they serve only as a means for a better understanding of the Qur'an. However, since Arabic is one of the most complete languages and it involves many fine details, this makes the translation of the Qur'an a very challenging job. Therefore, unless the translator has a competent knowledge and command of the fine details of the Arabic language, his translation would be a flawed one. This research aims to study the role and the effect of synonymy on inconsistencies and their frequencies in translation based on the analytical descriptive method. For this purpose, the translations of two short Suras of Ash-Shams and Al-Balad by the following contemporary translators have been selected for comparison: Ansariyan, Ayati, Bahrapour, Khorramdel, Khorramshahi, Sadeghi Tehrani, Fooladvand, Qaraati, Mojtabavi, Mo'ezi, Makarem Shirazi, and Elahi Qomsheie. The results of this study show a significant ratio of differences in finding the Farsi equivalents among these translators, such that the percentage of differences is much higher than that of the similarities. The highest ratio was seen between Khorramdel and Mo'ezi and the least ratio was seen between Fooladvand and Sadeghi Tehrani. This probably represents the least and highest amount of influence among these translators, and of course their only instrument in producing these inconsistencies is the synonymy phenomenon in the Persian language.

**Keywords:** Translation of the Qur'an, Comparative study, Synonymy, Synonyms, Equivalents, Ash-Shams Sura, Al-Balad Sura.

1. Associate Professor of Arabic Language and Literature, University Of Mazandaran, Babolsar, Iran

2. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University Of Mazandaran, Babolsar, Iran

**Correspondence Author:** Mostafa Kamaljo

**Email:** kamaljo@umz.ac.ir

**How to Cite:** Kamaljo M, Shahrokh M., The Role of Synonymy in Causing Inconsistencies in the Choice of Equivalents in Farsi Translations of the Holy Qur'an: A Case of the Twelve Contemporary Translations of the Ash-Shams and Al-Balad Suras, *Journal of Quranic Studies Quarterly*, 2023;14(54):57-96.



# نقش هم‌معنایی در شکل‌گیری ناهمسانی‌های واژگان برابرنهاده در ترجمه‌های فارسی قرآن (مورد کاوی: سوره‌های شمس و بلد در دوازده ترجمه معاصر)

مصطفی کمالجو<sup>۱\*</sup>، مهدی شاهرخ<sup>۲</sup>

## چکیده

قرآن کریم کتابی برای هدایت بشر به زبان عربی است که فهم آن برای کسانی که عرب‌زبان نیستند تنها از طریق ترجمه میسر است. با این‌که هیچ‌کدام از ترجمه‌های قرآن با اصل عربی آن برابری نمی‌کند و تنها ابزاری برای درک بهتر قرآن است، اما از آن‌جا که زبان عربی از جمله کامل‌ترین زبان‌ها و شامل دقایق فراوانی است، لذا ترجمه قرآن امری خطیر و پیچیده است که اگر مترجم در ظرایف‌های قرآن دقت لازم را نداشته باشد، ترجمه او ترجمه‌ای نارسا خواهد بود. این پژوهش درصدد آن است با تکیه بر شیوه‌ی وصفی تحلیلی، به بررسی نقش و تأثیر مترادف/هم‌معنایی در بروز ناهمسانی‌ها و نسبت آن‌ها در دوازده ترجمه قرآنی بپردازد، که به‌این‌منظور، ترجمه دو سوره کوتاه شمس و بلد را میان ترجمه‌های معاصر: انصاریان، آیتی، بهرام‌پور، خرم‌دل، خرمشاهی، صادقی‌تهرانی، فولادوند، قرائتی، مجتبیوی، معزی، مکارم‌شیرازی، و الهی‌قمشه‌ای بررسی و مقایسه می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نسبت شباهت‌ها با تفاوت‌ها در معادل‌یابی واژگان فارسی این ترجمه‌ها تفاوت معناداری دارد، به‌طوری‌که درصد تفاوت‌ها بسیار بالاتر از شباهت‌هاست. بالاترین نسبت تفاوت‌ها میان خرم‌دل و معزی و کمترین

۱. دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

تفاوت‌ها بین فولادوند و صادقی‌تهرانی است که شاید به‌ترتیب نشان از کمترین و بالاترین تأثیر و تأثر میان این مترجمان قرآنی داشته باشد و البته تنها ابزار آن‌ها در این ناهمسانی‌سازی‌ها، پدیدهٔ ترادف/هم‌معنایی در زبان فارسی است.

**واژگان کلیدی:** ترجمهٔ قرآن، بررسی مقابله‌ای، ترادف/هم‌معنایی، کلمات مترادف/واژگان برابر نهاده، سورهٔ شمس، سورهٔ بلد

### مقدمه و بیان مسئله

قرآن کریم کتابی است آسمانی که هدف نزول آن هدایت بشر به‌سوی کمال و سعادت است. «قرآن کریم سرچشمهٔ اغلب علوم و معارف اسلامی و وحی‌نامهٔ الهی است. عرفان، تصوف، زهد و پارسایی، همه در قرآن ریشه دارد؛ از عرفان نظری مکتب ابن عربی تا حکمت متعالیهٔ صدرایی. قرآن اساس دستور زبان عربی و علوم بلاغی و ادبی است و در بسیاری از زبان‌های جهان از جمله فارسی و ترکی نفوذ دارد و در مکتب‌های شعری جایگاه ارزشمندی یافته است.» (ممتحن، ۱۳۸۸: ۱۵۰) لذا از آن‌جا که «زبان این کتاب عربی است لذا فهم آن برای کسانی که عرب‌زبان نیستند امکان ندارد، مگر آن‌که توسط مترجمان توانمند و دانا ترجمه شود. از آن‌جایی که عربی از کامل‌ترین زبان‌های دنیاست و دقایق فراوانی دارد، ترجمهٔ آن کار دشواری است و اگر مترجم به این ظرایف دقت نکند، بی‌گمان ترجمه‌ای نارسا و چه‌بسا آکنده از خطا انجام دهد، از این‌رو آگاهی از علوم ادبی از جمله صرف‌ونحو از بایسته‌های ترجمه هر متن عربی به‌ویژه قرآن کریم است» (حاجی‌خانی و پاشائی، ۱۳۹۳: ۱۳۶) اما نباید یادمان برود که «خداوند قرآن را در کامل‌ترین صورت فصاحت و زیبایی و بلاغت نازل کرده است. قرآن کریم از نظرگاه‌های بسیاری معجزه است و مانند ناپذیر؛ و جهات کمالیهٔ قرآن مجید منحصر به فصاحت و بلاغت آن نیست، اما همهٔ آن جهات و معانی، در قالب بلیغ‌ترین و بالاترین نوع ممکن سخن ادا شده است. (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۹۲) لذا ترجمهٔ چنین متنی، کاری آسان نیست، از سوی دیگر، این کتاب، یک کتاب ادبی که هدف آن بلاغت باشد هم نیست، «قرآن کتابی است سراپا بشارت و انذار که حاوی خطابات و اشارات عالی‌قدر عرفانی است» (ممتحن و صدری، ۱۳۹۲: ۶۵) علاوه بر این، «آموزه‌های قرآن کریم در عین حال که متضمن کلیات برنامهٔ زندگی بشری، در جهت هدایت اوست؛ دربردارندهٔ معارف و حقایق ارزشمندی در زمینه‌های گوناگون هستی‌شناسی نیز هست» (موسوی، وهمکاران، ۱۳۹۲: ۹) و همهٔ این‌ها ترجمهٔ قرآن را به کاری مهم و دشوار بدل می‌گرداند.

هرچند قرآن به زبان عربی نازل شده است **﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾** (یوسف/۲) در حقیقت، «زبان قرآن کریم زبان نمونه و الگوی عربی است که پیوند محکمی با آن برقرار کرده است.» (ممتحن و شمس‌آبادی، ۱۳۹۱: ۸۶) اما یکی از سعادت‌های زبان فارسی آن است که شاید نخستین ترجمه قرآن توسط سلمان فارسی به این زبان صورت گرفته است. «تاریخ ترجمه قرآن به زبان فارسی به زمان خود پیامبر (ص) باز می‌گردد، آن‌زمان که ایشان به سلمان اجازه داد سوره حمد را به فارسی ترجمه کند تا فارسی‌زبانان بتوانند آن را در نماز بخوانند و کم‌کم عادت کنند» (معرفت، ۱۳۹۳: ۲۰۲) اما این بدان معنا نیست که این ترجمه‌ها به‌جای متن اصل عربی قرآن در عبادات مسلمین ایرانی استفاده می‌شده است. «مسلمانان غیرعرب در نقاط مختلف جهان اسلام صدها سال قرآن را به زبان اصلی آن می‌خوانده‌اند. حتی در مواردی هم که ترجمه‌ای از قرآن مجید موجود بوده، نه در نسخ متعددی فراهم می‌آمده و نه به‌عنوان جانشین و تالی قرآن مجید پذیرفته می‌شده است. از این ترجمه‌ها در مواردی تنها برای تدریس و تشویق به آموزش قرآن استفاده می‌شده است» (اسعدی، ۱۳۶۵: ۲۱۴) با این‌که ترجمه‌های متعددی از قرآن در دست است، اما به‌هیچ‌روی این بدان معنا نیست که ترجمه قرآن از ابتدا امر پسندیده‌ای بوده است. «قرآن را می‌توان یکی از پرتترجمه‌ترین کتاب‌ها دانست. ترجمه این کتاب با اهداف گوناگونی توسط مسلمانان و حتی پیروان دیگر ادیان ترجمه شده و این رویکرد همچنان رو به افزایش است. موضوع ترجمه قرآن از زمانی که اسلام مورد پذیرش مسلمانان غیر عرب واقع گردید مطرح شد و این بحث بین عالمان و دانشمندان اسلامی، مخالفان و موافقانی پیدا کرد. بعضی حکم به تحریم ترجمه قرآن دادند و در مقابل گروهی دیگر از عالمان، ترجمه قرآن را جایز دانستند.» (ایزدی و محمدی نبی‌کندی، ۱۳۹۴: ۵۸) اما ایرانیان چنان که در زمان صدر اسلام پرچمدار ترجمه قرآن بودند، در عصور بعدی نیز هم‌چنان سردمداری خود را در این زمینه حفظ کردند. به‌طوری‌که «پس از آن‌که جواز ترجمه قرآن صادر شد، ایرانیان به ترجمه قرآن پرداختند. تاریخ ترجمه قرآن به فارسی هم از جهت کمیت و هم از جهت کیفیت ترجمه‌ها تاریخ پرشکوهی است» (خزاعی‌فرید و قاضی‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۷) کهن‌ترین ترجمه‌های قرآنی موجود که اکثراً به‌صورت زیرنویسی در ذیل عبارات قرآن نگاشته شده و شکل تحت‌اللفظی کلمه در مقابل کلمه داشته‌اند، به قرن دوم و سوم هجری می‌رسد، «ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی پیشینه‌ای هزاروپنجاه ساله دارد. اشتیاق پارسی‌زبانان مسلمان و تشنگان خطه ایران به زلال معارف قرآنی از آغاز اندیشه‌ورزان و مترجمان را برآن داشت تا با برگردان کلام حق، پیام خدای متعال را نه فقط به گوش و دیده جویندگان مشتاق که به دل‌های آنان نیز سرازیر کنند. اما این مطلب هرگز به‌معنای بی‌غلط بودن و صحت کامل ترجمه‌های آنان نیست» (خانی کلقای و حلال‌خور،

۱۳۹۴ش: ۹۲-۹۳) بسیاری از این ترجمه‌ها در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد و نیز کتابخانه آستان حضرت معصومه در قم، و در سایر موزه‌ها و کتابخانه‌های ایران نگهداری می‌شوند. شایان ذکر است که تنها شمار ترجمه‌های تحت‌اللفظ کهن فارسی قرآن در گنجینه هزارساله آستان قدس به ۳۲۶ ترجمه می‌رسد. نخستین ترجمه منتشر شده کهن فارسی معروف به ترجمه قدس که متعلق به قرن سوم هجری است، در دهه ۶۰ ع‌ش به‌اهتمام دکتر علی رواقی تصحیح و انتشار یافته که این‌که نخستین فرهنگ‌نامه قرآن که بر اساس معادل‌های واژگان قرآنی ۱۴۲ ترجمه خطی قرآن تهیه شده، اثر استاد محمد جعفر یاحقی است که از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی منتشر شده است. لذا تا همین اواخر تکیه مترجمان در ترجمه قرآن بر ترجمه تحت‌اللفظی بوده است تا آن‌که نخستین تلاش‌ها برای ترجمه روان قرآن کریم توسط مهدی الهی‌قمشه‌ای در سال ۱۳۲۳ش و نیز توسط عبدالحسین آیتی بین سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ش صورت گرفت تا ترجمه‌ای نسبتاً روان و آزاد به زبان فارسی ارائه دهند. از آن‌زمان تاکنون شمار بسیاری از ترجمه‌های قرآن کریم انتشار یافته است. «توجه در آثار عالمان و مترجمان این نکته را یادآور می‌کند که آنان هرگز درصدد نقد ترجمه‌های پیشین و آشکار کردن نقایص ترجمه‌های قبل نبودند و گاهی اشکال‌ها یا خطاهای آنان را نیز در ترجمه‌های خود اصلاح می‌کردند و یا واژگان نزدیک‌تر به معنای واژگان قرآنی را در برگردان خویش به کار می‌بردند، برخلاف ترجمه‌های جدید و معاصر که بسیاری هنوز چندماهی از تاریخ نشر آن‌ها نگذشته، با نقد و گاه با نقدهای متعدد مواجه می‌شوند تا جایی که کمتر ترجمه‌ای از ترجمه‌های فارسی دهه اخیر را می‌توان یافت که زیر ذره‌بین موشکافانه ناقدان معاصر قرار نگرفته باشد» (خانی‌کلکای و حلال‌خور، ۱۳۹۴ش: ۹۲-۹۳)

باین‌همه نباید فراموش کرد که «نسخه‌های ترجمه شده قرآن را نباید جایگزین متن اصلی دانست. به بیان دیگر، ترجمه تنها ابزاری برای درک بهتر قرآن می‌باشد و نه بیشتر. هر نسخه ترجمه شده درک مترجم آن را به نمایش می‌گذارد و این درک در هر مترجم متفاوت می‌باشد، ولی هیچ‌کدام از این ترجمه‌ها با نسخه زبان اصلی قرآن برابری نمی‌کند. هر نسخه ترجمه شده با نسخه دیگر متفاوت است پس درست نیست که یک نسخه را به‌عنوان کامل‌ترین نسخه مورد توجه و پذیرش قرار داد چرا که هر کدام از این نسخه‌های ترجمه شده دارای معایت و محاسن خود بوده و دارای نکات مثبت و منفی می‌باشند و کامل نیستند.» (خلیلی‌زاده گنجعلیخانی و امیرشجاعی، ۱۳۹۷ش: ۲۳۷-۲۳۸) اما باین‌وجود، سطح موفقیت در امر ترجمه میان این ترجمه‌های مختلف یکسان نیست و میان این ترجمه‌ها تفاوت‌ها و درجاتی وجود دارد. «بدون شک ترجمه موفق ترجمه‌ای است که علاوه بر جذابیت و شیوایی، آن‌قدر دقیق و عالمانه باشد که

خواننده ترجمه، از متن ترجمه‌شده همان پیامی را که در خواننده متن اصلی درک می‌کند، دریافت کند. برای رسیدن به این مهم و ارائه ترجمه‌ای دقیق از قرآن لازم است ساختارهای زبانی قرآن مورد توجه، بررسی و تحلیل قرار گیرد و با درکی صحیح، قواعد ساختاری زبان مبدأ و مقصد در ترجمه قرآن منقح گردد.» (مصباح، ۱۳۹۶ش: ۱۶۳) لذا شاخه‌ای در مطالعات قرآن و حدیث شکل گرفته است که به بررسی ترجمه‌های قرآن کریم به فارسی و دقت در درک صحیح معنای این آیات و انتقال صحیح آن‌ها در زبان مقصد می‌پردازد. زیرا «در مطالعه و تحلیل روش‌های ترجمه به‌ناچار باید به بنیادها و پژوهش‌های زبانی و زبان‌شناختی بیشتر توجه شود. اساس و بنیاد هر زبانی را ساختارهای آن زبان شکل می‌دهد. ساختارهای زبانی را می‌توان به شش نوع یا دسته تقسیم کرد: ساختار آوایی، ساختار صرفی، ساختار نحوی، ساختار لغوی، ساختار بلاغی و ساختار معنایی. این ساختارها پیکره درون‌زبانی و حتی برون‌زبانی یک زبان را می‌تواند به نمایش بگذارد و یکی از ضرورت‌های اصلی برای ارائه ترجمه‌ای وفادار و مطلوب، ایجاد و یا برقراری تعادل میان این ساختارهاست. تعادل را در یک تعبیر ساده می‌توان همسانی تأثیر متن مبدأ و مقصد بر خوانندگان خود دانست، یعنی متن مقصد از نظر زبانی و ساختاری آن نوع تأثیر را بر خواننده خود بگذارد که متن مبدأ همان نوع تأثیر را بر خواننده خود می‌گذارد.» (خانی‌کلکلی و حلال‌خور، ۱۳۹۴ش: ۹۰)

در پژوهش پیش‌رو تلاش بر آن بوده تا دوازده ترجمه معاصر قرآن کریم مبنای پژوهش قرار گیرد، درحقیقت این ترجمه‌ها به‌عنوان نمونه‌هایی از انواع مختلف ترجمه‌های موجود معاصر به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، تا به‌گونه‌ای بر شیوه نمونه‌گیری هدفمند در پژوهش‌های کیفی تکیه شده باشد. از همین‌رو، ترجمه‌های قرآنی مورد بحث در این مقاله عبارتند از: آیتی، انصاریان، الهی‌قمشه‌ای، بهرام‌پور، خرم‌دل، خرمشاهی، صادقی‌تهرانی، فولادوند، قرآنتی، مجتبوی، معزی، مکارم‌شیرازی.

### هدف، سؤالات و شیوه پژوهش

هدف این پژوهش بررسی نقش و تأثیر ترادف/هم‌معنایی واژگان برابر نهاده/ مترادف در بروز ناهمسانی‌ها و میزان آن در تفاوت‌های قرآنی معاصر است. به‌همین خاطر است که در بررسی ناهمسانی‌ها و همسانی‌های ترجمه‌های عبارات این دو سوره در میان این دوازده مترجم قرآنی، روی تفاوت‌های ترجمه‌ای در دو سوره کوتاه شمس و بلد یعنی واژه‌هایی که دارای ترجمه‌های متعدد بود، تکیه کردیم تا بتوانیم نقش ترادف و هم‌معنایی را در ایجاد تفاوت‌های ترجمه‌ای میان این مترجمان بررسی نماییم. برای رسیدن به این هدف، این پژوهش با سؤالات زیر روبروست:

- ۱- نقش ترادف/هم‌معنایی در بروز ناهمسانی‌های معادل‌های واژگانی این ترجمه‌ها به چه میزان است؟
- ۲- نقش این ترادف در ایجاد تفاوت‌های ترجمه‌ای میان ترجمه‌های مختلف قرآن به‌خصوص ترجمه‌های مورد بررسی چگونه است؟
- ۳- کدام‌یک از این ترجمه‌ها از پدیده ترادف/هم‌معنایی در زبان فارسی به‌شکل پربسامدتری استفاده کرده‌اند؟
- ۴- نسبت همسانی‌ها و ناهمسانی‌های معادل‌های واژگان قرآنی میان این دوازده ترجمه به چه میزان است؟

شیوه این پژوهش شیوه‌ی وصفی تحلیلی با تکیه بر استخراج و بررسی و مقایسه نمونه‌های استخراج شده از دوازده ترجمه قرآنی است که به‌این‌منظور تنها روی تفاوت‌های ترجمه واژگان دو سوره شمس و بلد که از سوره‌های کوتاه و موجز قرآن هستند تکیه کردیم تا بهتر بتوانیم این تفاوت‌ها و شباهت‌ها را به‌شکلی دقیق واکاوی کنیم. براساس بررسی‌های صورت‌گرفته، تعداد دقیق تفاوت‌های ترجمه‌ای میان این مترجمان در این دو سوره ۱۰۲ تفاوت است که تقریباً همگی آن‌ها ناشی از وجود هم‌معنایی و ترادف در زبان فارسی است.

### پیشینه و ضرورت پژوهش و بیان نوآوری‌ها

در خصوص مطالعات قرآنی خوشبختانه اکنون چندین مجله تخصصی علمی وجود دارد که به نشر انبوهی از مقالات در این زمینه اقدام کرده و می‌کنند که بسیاری از این مقالات به بررسی مقابله‌ای یک موضوع میان چند ترجمه معاصر قرآنی می‌پردازد. اما در زمینه ترادف در ترجمه‌های قرآنی می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

احمد مختار عمر در کتاب «ظاهرة الترادف بين القدماء و المحدثين» به پدیده ترادف و اختلاف علماء در این باره پرداخته است. چنان که قاسم‌پور، اقبالی و صالح‌پور در مقاله «بررسی نمادهای ترادف و تحلیل آن‌ها در تفسیر مجمع‌البیان» به پیشینه ترادف در ادبیات و دیدگاه‌های موافقان و مخالفان و تحلیل آن‌ها و نقش ترادف در علوم قرآن و جایگاه آن در تفسیر مجمع‌البیان پرداخته‌اند. میرلوحی (۱۳۹۲ش) در کتاب «ترادف در قرآن» به بیش از ۲۵۰ واژه و مترادفاتش در قرآن پرداخته و آن‌ها را به‌روش لغوی و استناد به ظاهر آیات، بدون توجه به قرائن لفظی و علقی در این آیات بررسی کرده است.

ابراهیمی و همکاران، در مقاله «بررسی زبان‌شناختی روش کاربست ترادف در قرآن با محوریت آراء علامه طباطبایی» (۱۳۹۸ش، پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال ۷، شماره ۲)، شیوه کاربست ترادف را در قرآن به‌لحاظ زبان‌شناسی بررسی کرده و به‌این نتیجه رسیده‌اند که عنایت به وحدت سیاق و



پذیرش فرق بین اصل معنایی واژگان، حاکی از وجود نوعی ترادف نسبی در قرآن است که علامه طباطبایی از آن با عنوان کالمترادف یا شبه‌ترادف یاد می‌کند.

مهدوی‌راد و عماری اله‌یاری در مقاله «تحلیل تطبیقی قاعده ترادف واژگان در تفسیر قرآن، با رویکرد معناشناسی در تفسیر المیزان و التحریر و التنویر» (۱۳۹۷ش، آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۷) زیرساخت‌های مورد استفاده در ترادف واژگان قرآن کریم را با رویکرد معناشناسی جدید میان نظرات تفسیری علامه طباطبایی و ابن‌عاشور بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که علامه طباطبایی همپای مفسرانی مانند ابن‌عاشور یا حتی برتر از او که به تفسیر لغوی مشهور است، از قواعد لغوی بهره برده و در حوزه تفسیر ادبی و لغوی پیش‌رفته‌است و این نشان می‌دهد که روش تفسیری قرآن به قرآن به‌معنای کنارگذاشتن قواعد لغوی و ادبی در تفسیر نیست.

پرچم و انصاری‌طادی در مقاله «نقش قراین درون‌متنی و برون‌متنی در مراتب ترادف واژه‌های قرآن» (۱۳۹۶ش، مطالعات ادبی متون اسلامی، سال ۲، شماره ۲، پیاپی ۶)، ضمن بررسی لغوی واژگان، نوع ترادف جزئی، سیاقی و کامل آن‌ها را بر اساس قراین درون‌متنی و برون‌متنی موجود در آیات قرآن مشخص کرده و به این نتیجه می‌رسند که بافت‌های مختلف آیات باعث توسعه ترادف واژگان و تولید معنا شده است، زیرا روابط واژه‌ها در قرآن غنی بوده و با خلق واژگان مترادف، قرآن به زبان عربی غنا بخشیده است.

چنان که ملاحظه می‌شود همه این پژوهش‌ها به پدیده ترادف در الفاظ نص اصلی قرآن پرداخته‌اند، درحالی‌که این مقاله به پدیده ترادف/هم‌معنایی در زبان ترجمه قرآن کریم یعنی زبان فارسی و نقش آن در ایجاد ناهمسانی‌های معادل‌یابی واژگان برابرنهاده فارسی این ترجمه‌ها پرداخته است، امری که تاکنون در هیچ پژوهشی بدان پرداخته نشده و این مقاله درصدد بررسی آن است.

### ترادف/هم‌معنایی

ترادف/هم‌معنایی در لغت به‌معنای پی‌درپی بودن و تتابع است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱۴: ۹) ترادف از مهم‌ترین روابط معنایی/مفهومی در سطح واژگان زبان است. «ترادف/هم‌معنایی یکی از موضوعات مبحث الفاظ اصول فقه و منطق و نیز یکی از موضوعات مورد بحث فقه‌اللغه و علم‌الدلالة به‌شمار می‌رود و دانشمندان علوم قرآنی مباحث مربوط به ترادف را از این علوم وام گرفته و بر واژگان قرآنی تطبیق کرده‌اند و از رهگذر آن بحث ترادف در قرآن را سامان داده‌اند» (نکونام، ۱۳۸۴ش: ۸۳) در معناشناسی جدید، ترادف/هم‌معنایی میان دو واژه وقتی ثابت می‌شود که اگر این دو را به‌جای هم به‌کار ببریم، در معنای زنجیره گفتار تغییری رخ ندهد (صفوی، ۱۳۸۷ش: ۱۰۶) «ترادف یا عدم ترادف در قرآن از جمله مسائلی است که فکر و نظر دانشمندان علوم قرآنی را از دیرباز به خود معطوف داشته است و

حاصل آن کتاب‌ها و مقالاتی است که در مورد واژه‌های به‌ظاهر مترادف قرآن و فروق آن تدوین شده است» (پرچم و انصاری طادی، ۱۳۹۶ش: ۹۶)

رمانی (۳۸۴ق) نخستین کسی است که نام مترادف را برای کتابش برگزید. در قرآن، کتاب غرائب القرآن بسیاری از مترادفات الفاظ غریب قرآن را بررسی کرده است. در دوره معاصر مهم‌ترین کتاب‌ها در خصوص ترادف کتاب محمد نورالدین منجد است. (همان: ۸۸-۸۹) چنان که مشهور است که اصمعی و ابن خالویه و ابوالعلاء معری و فیروزآبادی از مهم‌ترین طرفداران ترادف در زبان عربی و ابن‌أعرابی و ابوالعباس ثعلب و ابوبکر انباری و ابن‌درستویه و ابن‌فارس و ابوهلال عسکری، راغب اصفهانی و زمخشری از منکران ترادف هستند. اما در زبان‌شناسی معاصر، زبان‌شناسان به وجود پدیده ترادف/هم‌معنایی در همه زبان‌ها تأکید دارند که یکی از این زبان‌ها که در آن هم‌معنایی نقش بسزایی دارد، زبان فارسی به‌عنوان زبان مقصد در ترجمه‌های قرآنی معاصر است.

### بیان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های ناشی از ترادف به تفصیل واژگان

#### ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

الله: خدای: ۳ (آیتی-مجتبوی-صادقی‌تهرانی)؛ خدا: ۱ (انصاریان)؛ خداوند: ۸ (بهرام‌پور-خرمشاهی-خرمدل-فولادوند-الهی‌قمش‌ای-معزی-مکارم‌شیرازی-قرائتی).

الرحمن: بخشاینده: ۳ (آیتی-مجتبوی-معزی)؛ رحمتش بی‌اندازه است: ۱ (انصاریان)؛ هستی‌بخش: ۱ (بهرام‌پور)؛ بخشنده: ۵ (مکارم‌شیرازی-قرائتی-خرمشاهی-الهی‌قمش‌ای-خرمدل)؛ رحمتگر: ۱ (فولادوند)؛ رحمتگر بر آفریدگان: ۱ (صادقی‌تهرانی)

الرحیم: مهربان: ۱۰ (آیتی-بهرام‌پور-خرمشاهی-خرمدل-الهی‌قمش‌ای-مجتبوی-معزی-مکارم‌شیرازی-قرائتی-فولادوند)؛ رحمتگر: بر ویژگیان: ۱ (صادقی‌تهرانی)؛ مهربان همیشگی: ۱ (انصاریان).

#### ﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ ۱ ﴿وَأنتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ ۲ ﴿﴾

لا أقسم: سوگند (به‌صورت اسمی): ۴ (خرمدل-بهرام‌پور-فولادوند-الهی‌قمش‌ای)؛ قسم می‌خورم: ۱ (انصاریان)؛ سوگند یاد می‌کنم: ۱ (مجتبوی)؛ سوگند می‌خورم: ۲ (خرمشاهی-قرائتی)؛ سوگند نیاورم: ۱ (معزی)؛ سوگند نمی‌خورم: ۱ (صادقی‌تهرانی)؛ قسم (به‌صورت اسمی): ۲ (مکارم‌شیرازی-آیتی).

البلد: این شهر: ۹ (آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-خرمشاهی-صادقی‌تهرانی-فولادوند-مجتبوی-قرائتی-خرمدل)؛ این بلد: ۱ (الهی‌قمش‌ای)؛ بدین شهر: ۱ (معزی)؛ این شهر مقدس: ۱ (مکارم‌شیرازی)

حل: سکن‌گرفته‌ای: ۱ (آیتی)؛ ساکن هستی: ۱ (قرائتی)؛ جای داری: ۳ (انصاریان- فولادوند- صادقی‌تهرانی)؛ ساکن آن هستی: ۱ (بهرام‌پور)؛ دست‌گشاده‌ای: ۱ (خرمشاهی)؛ ساکن آن‌جا هستی: ۱ (خرمدل)؛ منزل داری: ۱ (الهی‌قمشه‌ای)؛ فرود آمده‌ای: ۱ (مجتبوی)؛ جای‌گزین: ۱ (معزی)؛ ساکنی: ۱ (مکارم‌شیرازی)

البلد: این شهر: ۷ (قرائتی-خرمشاهی-آیتی-معزی-مجتبوی-فولادوند-صادقی‌تهرانی)؛ شهری که: ۳ (خرمدل-مکارم‌شیرازی-بهرام‌پور)؛ بلد: ۱ (الهی‌قمشه‌ای)؛ آن: ۱ (انصاریان)

### ﴿وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ﴾ (۳) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿۴﴾

ما: فرزندان: ۲ (آیتی-الهی‌قمشه‌ای)؛ آن کسی که: ۱ (فولادوند)؛ آن‌چه: ۲ (معزی-انصاریان)؛ فرزند: ۵ (بهرام‌پور-خرمشاهی-مکارم‌شیرازی-خرمدل-قرائتی)؛ آن که: ۱ (صادقی‌تهرانی)؛ بدون ترجمه: ۱ (مجتبوی)

ولد: بوجود می‌آورد: ۱ (خرمدل)؛ پدید آورد: ۳ (آیتی-خرمشاهی-قرائتی)؛ زاده است: ۱ (انصاریان)؛ فرزند آورد: ۱ (بهرام‌پور)؛ بوجود آورد: ۱ (فولادوند)؛ فرزند نهاد: ۱ (معزی)؛ بدون ترجمه: ۳ (مکارم‌شیرازی-الهی‌قمشه‌ای-مجتبوی)؛ تولید کرده: ۱ (صادقی‌تهرانی)

لقد: همانا: ۱ (انصاریان)؛ به‌راستی: ۳ (خرمشاهی-فولادوند-صادقی‌تهرانی)؛ که: ۵ (آیتی-بهرام‌پور-الهی‌قمشه‌ای-معزی-مکارم‌شیرازی)؛ هر آینه: ۱ (مجتبوی)؛ بی‌گمان: ۱ (قرائتی)؛ بدون ترجمه: ۱ (خرمدل)

الإنسان: انسان: ۱۰ (آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-خرمشاهی-صادقی‌تهرانی-فولادوند-الهی‌قمشه‌ای-معزی-مکارم‌شیرازی-قرائتی)؛ آدمی: ۲ (خرمدل-مجتبوی)

کبد: رنج: ۴ (بهرام‌پور-فولادوند-معزی-مکارم‌شیرازی)؛ رنج و محنت: ۳ (آیتی-خرمشاهی-خرمدل)؛ رنج و زحمت: ۲ (انصاریان-قرائتی)؛ سختی و رنج: ۱ (مجتبوی)؛ رنج و مشقت: ۱ (الهی‌قمشه‌ای)؛ ژرفای سختی: ۱ (صادقی‌تهرانی)

### ﴿أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ﴾ (۵)

أیحسب: گمان می‌کند: ۲ (انصاریان-مکارم‌شیرازی)؛ گمان می‌برد: ۱ (خرمدل)؛ می‌پندارد: ۵ (آیتی-بهرام‌پور-خرمشاهی-مجتبوی-قرائتی)؛ پندارد: ۴ (صادقی‌تهرانی-فولادوند-الهی‌قمشه‌ای-معزی)

لن يقدر: چیره نگردد: ۱ (آیتی)؛ دست نیابد: ۱ (انصاریان)؛ نمی‌تواند دست یابد: ۲ (بهرام‌پور-مکارم‌شیرازی)؛ بر او دست ندارد: ۱ (خرمشاهی)؛ توانا نیست: ۱ (مجتبوی)؛ توانایی ندارد: ۲ (الهی‌قمشه‌ای-معزی)؛ دست نتواند یافت: ۲ (صادقی‌تهرانی-فولادوند)؛ دست نمی‌یابد: ۱ (قرائتی)؛ توانایی ندارد و دست نمی‌یابد: ۱ (خرمدل)

ترجمه نکره در سیاق نفی: هرگز: ۵ (انصاریان-خرمشاهی-معزی-خرم‌دل-قرائتی)؛ هیچ‌کس: ۵ (بهرام‌پور-صادقی‌تهرانی-فولادوند-الهی‌قمش‌های-مکارم‌شیرازی)؛ هرگز هیچ‌کس: ۱ (مجتبوی)؛ عدم ترجمه: ۱ (آیتی)

**﴿يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا﴾ (۶) ﴿أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدًا﴾ (۷)﴿**

أَهْلَكْتُ: تباہ کردم: ۶ (آیتی-انصاریان-صادقی‌تهرانی-فولادوند-معزی-قرائتی)؛ بر باد دادم: ۱ (خرم‌شاهی)؛ نابود کردم: ۳ (بهرام‌پور-مجتبوی-مکارم‌شیرازی)؛ تلف کردم: ۱ (الهی‌قمش‌های)؛ نابود و تباہ کردم: ۱ (خرم‌دل)

مَالًا: مال: ۱۰ (آیتی-بهرام‌پور-خرم‌شاهی-صادقی‌تهرانی-فولادوند-الهی‌قمش‌های-مجتبوی-معزی-مکارم‌شیرازی-قرائتی)؛ ثروت: ۱ (انصاریان)؛ دارایی: ۱ (خرم‌دل)  
لُبَدًا: انباشته: ۱ (صادقی‌تهرانی)؛ فراوان: ۷ (آیتی-انصاریان-خرم‌شاهی-فولادوند-مجتبوی-خرم‌دل-قرائتی)؛ انبوه: ۲ (بهرام‌پور-معزی)؛ بسیار: ۱ (الهی‌قمش‌های)؛ زیاد: ۱ (مکارم‌شیرازی)  
يَحْسَبُ: گمان می‌کند: ۲ (انصاریان-مکارم‌شیرازی)؛ می‌پندارد: ۵ (آیتی-بهرام‌پور-خرم‌شاهی-مجتبوی-قرائتی)؛ پندارد: ۴ (صادقی‌تهرانی-فولادوند-الهی‌قمش‌های-معزی)؛ گمان می‌برد: ۱ (خرم‌دل)

**﴿أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ﴾ (۸) ﴿وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ﴾ (۹) ﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾ (۱۰)﴿**

لم نجعل: نیافریده‌ایم: ۲ (آیتی-خرم‌شاهی)؛ قرار ندادیم: ۴ (انصاریان-بهرام‌پور-قرائتی-مکارم‌شیرازی)؛ نداده‌ایم: ۱ (فولادوند)؛ عطا نکردیم: ۱ (الهی‌قمش‌های)؛ تربیت نداده و نساخته‌ایم: ۱ (خرم‌دل)؛ نساخته‌ایم: ۱ (مجتبوی)؛ ننهاده‌ایم: ۲ (صادقی‌تهرانی-معزی)  
عَيْنَيْنِ: دو چشم: ۱۱ (آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-خرم‌شاهی-صادقی‌تهرانی-فولادوند-الهی‌قمش‌های-مجتبوی-معزی-مکارم‌شیرازی-خرم‌دل-قرائتی)؛ دیدگان: ۱ (معزی)  
هدیناه: درپیش نهادیم: ۱ (آیتی)؛ هدایت نکردیم: ۱ (انصاریان)؛ بر سر راه نیاوردیم: ۱ (خرم‌شاهی)؛ رهبری کردیم: ۱ (معزی)؛ نمایانندیم: ۲ (خرم‌دل-قرائتی)؛ هدایت کردیم: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ نمودیم: ۳ (صادقی‌تهرانی-الهی‌قمش‌های-مجتبوی)؛ نمودیم: ۲ (بهرام‌پور-فولادوند)  
النجدين: دو راه (یک‌بار با کلمه "مشخص" و یک‌بار مطلق): ۲ (آیتی-بهرام‌پور)؛ دو راه خیر و شر (در متن): ۴ (الهی‌قمش‌های-خرم‌دل-مجتبوی-مکارم‌شیرازی)؛ دو راه (خیر و شر) درون پرانتز: ۴ (قرائتی-خرم‌شاهی-صادقی‌تهرانی-فولادوند)؛ دو پشته: ۱ (معزی)؛ راه خیر و شر: ۱ (انصاریان)

**﴿فَلَا أَفْتَحَمَ الْعُقَبَةَ﴾ (۱۱) ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقَبَةُ﴾ (۱۲) ﴿فَكُ رَقِيبَةً﴾ (۱۳)﴿**

أَفْتَحَمَ: قدم نهاد: ۱ (آیتی)؛ وارد نشد: ۱ (انصاریان)؛ بالا نرفت: ۱ (بهرام‌پور)؛ در پی چیزی نبود: ۱ (خرم‌شاهی)؛ تن در نداد: ۱ (الهی‌قمش‌های)؛ درنیامد: ۱ (مجتبوی)؛ برنیامد: ۱ (معزی)؛ نگذشت: ۱

(مکارم‌شیرازی)؛ بالا رود: ۲ (صادقی‌تهرانی- فولادوند)؛ خویشتن را نمی‌زند: ۱ (خرم‌دل)؛ قدم نگذاشت: ۱ (قرائتی)

العقبه: گردنه سخت: ۲ (انصاریان-قرائتی)؛ گذرگاه سخت: ۱ (آیتی)؛ گردنه مهم: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ عقبه: ۱ (خرمشاهی)؛ گردنه (بدون صفت): ۲ (خرم‌دل-بهرام‌پور)؛ گردنه (با تأویل عاقبت‌نگری): ۲ (صادقی‌تهرانی- فولادوند)؛ عقبه (با تأویل تکلیف): ۱ (الهی‌قمشه‌ای)؛ گریوه: ۱ (مجتبوی)؛ پشته: ۱ (معزی)

ما أدراک: تو چه می‌دانی؟: ۵ (آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-خرم‌دل-قرائتی)؛ چه دانی؟: ۳ (خرمشاهی- فولادوند-مجتبوی)؛ چگونه توان دانست؟: ۱ (الهی‌قمشه‌ای)؛ چه دانست؟: ۱ (معزی)؛ نمی‌دانی: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ چه شناسدت؟: ۱ (صادقی‌تهرانی)

فک: آزاد کردن برده/بنده: ۸ (آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-مجتبوی-معزی-مکارم‌شیرازی-خرم‌دل-قرائتی)؛ بنده را آزاد کردن: ۳ (صادقی‌تهرانی- فولادوند-الهی‌قمشه‌ای)؛ آزادسازی: ۱ (خرمشاهی) رقبه: بنده: ۴ (آیتی-فولادوند-معزی-الهی‌قمشه‌ای)؛ برده: ۵ (انصاریان-بهرام‌پور-خرمشاهی-مکارم‌شیرازی-قرائتی)؛ گردن (بنده‌ای): ۱ (مجتبوی)؛ بنده و برده: ۱ (خرم‌دل)؛ دربند: ۱ (صادقی‌تهرانی)

### ﴿أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ﴾ (۱۴) ﴿يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ﴾ (۱۵) ﴿أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾ (۱۶)

إطعام: طعام دادن: ۶ (آیتی-انصاریان-صادقی‌تهرانی-فولادوند-الهی‌قمشه‌ای-مجتبوی)؛ إطعام: ۲ (بهرام‌پور-خرمشاهی)؛ خورانیدن: ۱ (معزی)؛ غذا دادن: ۲ (مکارم‌شیرازی-قرائتی)؛ خوراک دادن: ۱ (خرم‌دل)

یوم ذی مسغبه: روز قحطی: ۲ (آیتی-بهرام‌پور)؛ روز گرسنگی: ۳ (فولادوند-مجتبوی-مکارم‌شیرازی)؛ روز گرسنگی‌زده: ۱ (خرمشاهی)؛ روز قحطی و گرسنگی: ۳ (انصاریان-الهی‌قمشه‌ای-قرائتی)؛ روز پریشانی: ۱ (معزی)؛ زمان گرسنگی: ۱ (خرم‌دل)؛ روز گرسنگی سخت: ۱ (صادقی‌تهرانی)

یتیماً ذاً مقربه: یتیمی که خویشاوند باشد/است: ۱ (آیتی؛ یتیمی)؛ خویشاوند: ۹ (انصاریان-بهرام‌پور-خرمشاهی-صادقی‌تهرانی-فولادوند-مجتبوی-معزی-خرم‌دل-قرائتی)؛ یتیم خویشاوندان خود: ۱ (الهی‌قمشه‌ای)؛ یتیمی از خویشاوندان: ۱ (مکارم‌شیرازی)

مسکیناً: مسکین: ۱ (آیتی)؛ مستمند: ۳ (خرم‌دل-بهرام‌پور-مکارم‌شیرازی)؛ بینوا: ۷ (قرائتی-خرمشاهی-صادقی‌تهرانی-فولادوند-معزی-مجتبوی-معزی)؛ فقیر مضطر: ۱ (الهی‌قمشه‌ای)

ذا متربه: خاک‌نشین (یک مورد اسنادی و بقیه اضافی است): ۱۱ (آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-خرمشاهی-صادقی‌تهرانی-فولادوند-الهی‌قمشه‌ای-مجتبوی-معزی)؛ خاکسار: ۱ (معزی)

**﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾ (۱۷)**

ثمّ: سپس: ۳ (معزی-مکارم شیرازی-صادق‌تهرانی)؛ آن‌گاه: ۱ (الهی قمشه‌ای)؛ علاوه‌براین: ۳ (انصاریان- فولادوند-قرائتی)؛ وانگهی: ۲ (بهرام‌پور-مجتبوی)؛ گذشته از این‌ها: ۱ (خرم‌دل)؛ تا: ۱ (آیتی)؛ تا سپس: ۱ (خرمشاهی)

تواصوا: (نخست) سفارش کردند: ۲ (آیتی-معزی)؛ بدون ترجمه: ۷ (انصاریان-خرمشاهی-صادق‌تهرانی-فولادوند-الهی قمشه‌ای-مکارم شیرازی-قرائتی)؛ توصیه کرده‌اند/می‌کنند: ۲ (بهرام‌پور-خرم‌دل)؛ اندرز می‌دهند: ۱ (مجتبوی)

الصبر: صبر: ۴ (آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-الهی قمشه‌ای)؛ شکیبایی: ۷ (خرمشاهی-صادق‌تهرانی-فولادوند-مجتبوی-معزی-مکارم شیرازی-قرائتی)؛ صبر و شکیبایی: ۱ (خرم‌دل)

تواصوا: (دوم) سفارش کردند: ۹ (الهی قمشه‌ای-معزی-قرائتی-مجتبوی-انصاریان-بهرام‌پور-خرمشاهی-صادق‌تهرانی-فولادوند)؛ توصیه کردند: ۱ (مکارم شیرازی)؛ سفارش می‌نمایند: ۱ (خرم‌دل)؛ بدون ترجمه: ۱ (آیتی)

المرحمة: بخشایش: ۱ (آیتی)؛ مهربانی: ۵ (انصاریان-خرمشاهی-فولادوند-الهی قمشه‌ای-قرائتی)؛ ترحم: ۱ (بهرام‌پور)؛ مرحمت: ۱ (صادق‌تهرانی)؛ مهربانی و بخشایش: ۱ (مجتبوی)؛ مهربانی کردن: ۱ (معزی)؛ رحمت: ۱ (مکارم شیرازی)؛ ترحم و مهربانی: ۱ (خرم‌دل)

**﴿وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾ (۱۸) وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾ (۱۹)**

اولئك: اینان: ۵ (آیتی-انصاریان-خرمشاهی-صادق‌تهرانی-فولادوند)؛ آن‌ها: ۳ (بهرام‌پور-مکارم شیرازی-الهی قمشه‌ای)؛ آنان: ۴ (مجتبوی-معزی-خرم‌دل-قرائتی)

أصحاب الميمنة: أهل سعادته: ۲ (آیتی-بهرام‌پور)؛ سعادت‌مندان: ۱ (انصاریان)؛ خجستگان: ۱ (فولادوند)؛ اهل یمین و سعادت: ۱ (الهی قمشه‌ای)؛ خجستگان و سعادت‌مندان: ۱ (مجتبوی)؛ یاران راست: ۲ (معزی-قرائتی)؛ أصحاب الیمین: ۲ (خرمشاهی-مکارم شیرازی)؛ سمت راستی‌ها و اهل سعادتند: ۱ (خرم‌دل)؛ راستان و برکت‌یافتگان: ۱ (صادق‌تهرانی)

الذین: کسانی که: ۹ (مکارم شیرازی-خرم‌دل-قرائتی-مجتبوی-خرمشاهی-صادق‌تهرانی-فولادوند-آیتی-انصاریان)؛ آن‌ها که: ۱ (بهرام‌پور)؛ آنان که: ۲ (الهی قمشه‌ای-معزی)

کفروا: کافرند: ۱ (آیتی)؛ انکار کردند: ۱ (مکارم شیرازی)؛ کفر ورزیدند: ۲ (معزی-انصاریان)؛ انکار ورزیدند: ۲ (خرمشاهی)؛ انکار پرداختند: ۲ (صادق‌تهرانی-فولادوند)؛ کافر شدند: ۴ (الهی قمشه‌ای-مجتبوی-قرائتی-بهرام‌پور)؛ نپذیرفتند: ۱ (خرم‌دل)

آیات: آیات: ۸ (آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-خرمشاهی-مجتبوی-مکارم‌شیرازی-قرائتی)؛ نشانه‌ها: ۲ (فولادوند-صادقی‌تهرانی)؛ آیات (تأویل داخل پرائنتز): ۲ (خرمدل-الهی‌قمشاهی)؛ آیت‌ها: ۱ (معزی) اصحاب المشأمة: اهل شقاوت: ۱ (آیتی)؛ شقاوت‌مندان: ۱ (انصاریان)؛ اهل شومی و شقاوت: ۱ (بهرام‌پور)؛ اصحاب شمال: ۱ (خرمشاهی)؛ ناخجستگان شوم: ۱ (فولادوند)؛ یاوران شومی و شقاوت: ۲ (الهی‌قمشاهی-قرائتی)؛ یاران چپ: ۱ (معزی)؛ افراد شوم: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ شومان و بدبختان: ۱ (مجتبوی)؛ شوم‌زدگان: ۱ (صادقی‌تهرانی)؛ سمت چپی‌ها و اهل شقاوت: ۱ (خرمدل)

### ﴿عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ﴾ (۲۰)

علیهم: نصیب آن‌هاست: ۱ (آیتی)؛ آنان را در بر خواهد گرفت: ۱ (خرمدل)؛ بر آنان احاطه دارد: ۴ (انصاریان-صادقی‌تهرانی-فولادوند-قرائتی)؛ بر آنان احاطه خواهد کرد: ۱ (الهی‌قمشاهی)؛ بر آن‌ها/ایشان است: ۴ (بهرام‌پور-مجتبوی-معزی-مکارم‌شیرازی)؛ بر آنان (چیره) باشد: ۱ (خرمشاهی) نار مؤصدة: آتشی که از هر سو سرش پوشیده است: ۱ (آیتی)؛ آتشی سرپوشیده: ۵ (الهی‌قمشاهی-انصاریان-بهرام‌پور-صادقی‌تهرانی-فولادوند)؛ آتشی چندلایه: ۱ (خرمشاهی)؛ آتشی فراگیر و سرپوشیده: ۱ (مجتبوی)؛ آتشی سرپوشیده و فراگیر: ۱ (قرائتی)؛ آتشی افروخته: ۱ (معزی)؛ آتشی است فروبسته: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ آتشی که سرپوشیده و بسته است: ۱ (خرمدل)

### ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾ (۱)

الشمس: آفتاب: ۲ (آیتی-الهی‌قمشاهی)؛ خورشید: ۱۰ (خرمدل-قرائتی-صادقی‌تهرانی-انصاریان-بهرام‌پور-خرمشاهی-فولادوند-مجتبوی-معزی-مکارم‌شیرازی) ضحاها: روشنی‌اش به هنگام چاشت: ۱ (آیتی)؛ گسترش روشنی‌اش: ۱ (انصاریان)؛ روشنایی آن: ۳ (قرائتی-بهرام‌پور-مجتبوی)؛ پرتوافشانی‌اش: ۱ (خرمشاهی)؛ تابندگی‌اش: ۱ (فولادوند)؛ تابش آن (هنگام رفعتش): ۱ (الهی‌قمشاهی)؛ پرتوش/پرتو آن: ۲ (معزی-خرمدل)؛ گسترش نور آن: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ میان‌روزش: ۱ (صادقی‌تهرانی)

### ﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا﴾ (۲) ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾ (۳)

واو در والقمر: سوگند: ۶ (آیتی-خرمشاهی-فولادوند-خرمدل-قرائتی-صادقی‌تهرانی)؛ قسم: ۱ (الهی‌قمشاهی)؛ به: ۵ (انصاریان-بهرام‌پور-مجتبوی-معزی-مکارم‌شیرازی) القمر: ماه: ۱۱ (آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-خرمشاهی-الهی‌قمشاهی-مجتبوی-معزی-مکارم‌شیرازی-خرمدل-قرائتی-صادقی‌تهرانی)؛ مه: ۱ (فولادوند)

تلاها: از پی...در آید: ۱ (قرائتی)؛ از پی...بر آید: ۴ (آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-مجتبوی)؛ از آن پیروی کند: ۱ (خرمشاهی)؛ در پی...در آید: ۱ (الهی قمشه‌ای)؛ از پیش آید: ۱ (معزی)؛ بعد از...در آید: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ پی...رود: ۱ (فولادوند)؛ از پس...برمی آید: ۱ (خرمدل)؛ از پی‌اش می‌رود: ۱ (صادقی‌تهرانی)

إِذَا: چون (به معنی ظرف زمان): ۵ (آیتی-مجتبوی-فولادوند-خرمشاهی-بهرام‌پور)؛ هنگامی که: ۳ (مکارم‌شیرازی-انصاریان-صادقی‌تهرانی)؛ آن‌گاه که: ۲ (الهی قمشه‌ای-قرائتی)؛ گاهی که: ۱ (معزی)؛ بدان‌گاه که: ۱ (خرمدل)

واو در والنهار: به روز: ۴ (انصاریان-مجتبوی-معزی-مکارم‌شیرازی)؛ سوگند به روز: ۶ (آیتی-خرمدل-قرائتی-صادقی‌تهرانی-خرمشاهی-فولادوند)؛ قسم به روز: ۲ (بهرام‌پور-الهی قمشه‌ای)

إِذَا: چون (ظرف زمانی): ۶ (آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-خرمشاهی-فولادوند-مجتبوی)؛ هنگامی که: ۳ (الهی قمشه‌ای-صادقی‌تهرانی-مکارم‌شیرازی)؛ گاهی که: ۱ (معزی)؛ بدان‌گاه که: ۱ (خرمدل)؛ آن‌گاه که: ۱ (قرائتی)

جَلَّا: روشن کند: ۱ (آیتی)؛ روشن سازد: ۳ (مکارم‌شیرازی-قرائتی-الهی قمشه‌ای)؛ آشکار کند: ۱ (انصاریان)؛ هویدا سازد: ۱ (بهرام‌پور)؛ روشن گرداند: ۱ (فولادوند)؛ تابناک سازد: ۱ (معزی)؛ آشکار و پدیدار کند: ۱ (مجتبوی)؛ می‌پوشاند: ۱ (خرمدل)؛ نمایان کند: ۱ (صادقی‌تهرانی)؛ روشن دارد: ۱ (خرمشاهی)

ها ضمیر در جَلَّاهَا: گیتی: ۱ (آیتی)؛ خورشید: ۳ (انصاریان-خرمدل-صادقی‌تهرانی)؛ آن: ۲ (بهرام‌پور-مجتبوی)؛ ش ضمیر: ۲ (خرمشاهی-معزی)؛ زمین را: ۲ (فولادوند-قرائتی)؛ جهان را: ۱ (الهی قمشه‌ای)؛ صفحه زمین را: ۱ (مکارم‌شیرازی)

### ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ (۴) ﴿وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا﴾ (۵) ﴿﴾

واو قسم در واللیل: سوگند به شب: ۶ (آیتی-خرمشاهی-فولادوند-خرمدل-قرائتی-صادقی‌تهرانی)؛ به شب: ۶ (انصاریان-الهی قمشه‌ای-مجتبوی-معزی-مکارم‌شیرازی-بهرام‌پور)

يَغْشَا: فروپوشد: ۴ (آیتی-انصاریان-خرمشاهی-مجتبوی)؛ بپوشد: ۲ (بهرام‌پور-معزی)؛ بپوشاند: ۲ (مکارم‌شیرازی-قرائتی)؛ پرده بر آن پوشد: ۲ (فولادوند-صادقی‌تهرانی)؛ در پرده سیاهی کشد: ۱ (الهی قمشه‌ای)؛ می‌پوشاند: ۱ (خرمدل)

ها در يَغْشَاهَا: خورشید: ۲ (انصاریان-خرمدل)؛ آن: ۴ (بهرام‌پور-فولادوند-مجتبوی-صادقی‌تهرانی)؛ عالم: ۱ (الهی قمشه‌ای)؛ ش ضمیر: ۲ (معزی-آیتی)؛ زمین: ۲ (مکارم‌شیرازی-قرائتی)؛ بدون ترجمه: ۱ (خرمشاهی)



إِذَا: چون: ۲ (آیتی-خرمشاهی)؛ هنگامی که: ۲ (انصاریان-صادقی تهرانی)؛ وقتی که: ۲ (بهرام‌پور-الهی قمشاهی)؛ چو: ۱ (فولادوند)؛ آن‌گاه که: ۲ (مجتبوی-قرائتی)؛ گاهی که: ۱ (معزی)؛ آن‌هنگام که: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ بدان‌گاه که: ۱ (خرمدل)  
 واو قسم در والسماء: سوگند به آسمان: ۶ (آیتی-خرمشاهی-صادقی تهرانی-خرمدل-قرائتی-فولادوند)؛ به آسمان: ۴ (انصاریان-بهرام‌پور-مجتبوی-معزی)؛ قسم به آسمان: ۲ (الهی قمشاهی-مکارم‌شیرازی)  
 ما در "وما بناها": آن که: ۸ (آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-خرمشاهی-الهی قمشاهی-مجتبوی-خرمدل)؛ کسی که: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ آن کس که: ۱ (فولادوند)؛ آن چه: ۲ (معزی-صادقی تهرانی)  
 بنا: برآورده: ۱ (آیتی)؛ بنا کرد: ۵ (الهی قمشاهی-مکارم‌شیرازی-قرائتی-انصاریان-بهرام‌پور)؛ برافراشت: ۳ (خرمشاهی-فولادوند-مجتبوی)؛ بساخت: ۱ (معزی)؛ ساخته است: ۱ (خرمدل)؛ سازمان و سامان داد: ۱ (صادقی تهرانی)

ها در "بناها": آن: ۷ (آیتی-انصاریان-خرمشاهی-فولادوند-خرمدل-قرائتی-صادقی تهرانی)؛ این کاخ رفیع: ۱ (الهی قمشاهی)؛ ش ضمیر: ۳ (بهرام‌پور-مجتبوی-معزی)؛ آسمان: ۱ (مکارم‌شیرازی)

### ﴿وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَّاها﴾ (۶) وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا﴾ (۷)﴾

واو قسم در "والأرض": سوگند به زمین: ۶ (صادقی تهرانی-خرمدل-قرائتی-آیتی-خرمشاهی-فولادوند)؛ به زمین: ۶ (انصاریان-بهرام‌پور-الهی قمشاهی-مجتبوی-معزی-مکارم‌شیرازی)  
 ما در "ما طحهاها": آن که: ۸ (قرائتی-آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-خرمشاهی-الهی قمشاهی-مجتبوی-خرمدل)؛ کسی که: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ آن کس که: ۱ (فولادوند)؛ آن چه: ۲ (معزی-صادقی تهرانی)  
 ها در "طحهاها": آن: ۹ (قرائتی-صادقی تهرانی-آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-خرمشاهی-فولادوند-الهی قمشاهی-مکارم‌شیرازی)؛ ش ضمیر: ۲ (مجتبوی-معزی)؛ زمین: ۱ (خرمدل)  
 طحا: بگسترده: ۳ (آیتی-خرمشاهی-الهی قمشاهی)؛ گسترده: ۲ (فولادوند-معزی)؛ گستراند: ۲ (انصاریان-بهرام‌پور)؛ گسترانید/گسترانیده است: ۴ (مجتبوی-مکارم‌شیرازی-خرمدل-قرائتی)؛ به حرکت درآورد: ۱ (صادقی تهرانی)

ونفس: سوگند به نفس: ۶ (آیتی-بهرام‌پور-خرمشاهی-فولادوند-خرمدل-صادقی تهرانی)؛ قسم به نفس: ۱ (الهی قمشاهی)؛ به نفس: ۲ (انصاریان-مجتبوی)؛ قسم به جان آدمی: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ به روان: ۱ (معزی)؛ سوگند به جان: ۱ (قرائتی)

سواها: نیکویش بیافریده: ۱ (آیتی)؛ درست و نیکو نمود: ۱ (انصاریان)؛ سامان داد: ۳ (بهرام‌پور-خرمشاهی-قرائتی)؛ درست کرد: ۱ (فولادوند)؛ نیکو به حدّ کمال بیافرید: ۱ (الهی قمشاهی)؛ راست و درست ساخت یا سامان بخشید: ۱ (مجتبوی)؛ (آفریده) و منظم ساخت: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ راست آوردش: ۱ (معزی)؛ ساخته و پرداخته است: ۱ (خرمدل)؛ سازمانش داد: ۱ (صادقی تهرانی)

**﴿قَالَهُمَا فُجُورًا وَتَقْوَاهَا﴾ (۸) ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ (۹)﴿**

ألهما: الهام کرد: ۱۱ (مجتبوی-مکارم شیرازی-خرم دل-قرائتی-صادقی تهرانی-آیتی-انصاریان-بهرام پور-خرمشاهی-فولادوند-الهی قمشهای)؛ سروشش فرستاد: ۱ (معزی)

فجور: گناه: ۱ (خرم دل)؛ پلیدی ها: ۱ (قرائتی)؛ بدی ها: ۱ (آیتی)؛ بزهکاری: ۱ (انصاریان)؛ فجور: ۲ (بهرام پور-مکارم شیرازی)؛ بدکاری: ۱ (مجتبوی)؛ پلیدکاری: ۲ (فولادوند-صادقی تهرانی)؛ شر: ۱ (الهی قمشهای)؛ گنهکاری: ۱ (معزی)؛ نافرمانی: ۱ (خرمشاهی)

تقوی: پرهیزگاری: ۵ (آیتی-خرمشاهی-فولادوند-مجتبوی-صادقی تهرانی)؛ تقوا: ۳ (بهرام پور-مکارم شیرازی-خرم دل)؛ خیر: ۱ (الهی قمشهای)؛ پرهیز: ۱ (معزی)؛ پرهیزکاری: ۱ (انصاریان)؛ پاکی ها: ۱ (قرائتی)

قد: که: ۵ (آیتی-فولادوند-الهی قمشهای-مکارم شیرازی-قرائتی)؛ بی تردید: ۱ (انصاریان)؛ بی شک: ۱ (بهرام پور)؛ به راستی: ۲ (خرمشاهی-مجتبوی)؛ همانا: ۱ (معزی)؛ بدون ترجمه: ۲ (خرم دل-صادقی تهرانی)

أفلق: رستگار شد/خواهد شد: ۱۰ (آیتی-انصاریان-بهرام پور-خرمشاهی-فولادوند-الهی قمشهای-مجتبوی-معزی-مکارم شیرازی-قرائتی)؛ رستگار و کامیاب می گردد: ۱ (خرم دل)؛ رستگار کرد: ۱ (صادقی تهرانی)

زکّاه: در پاکی آن کوشید: ۱ (آیتی)؛ نفس را (از آلودگی پاک کرد و) رشد داد: ۱ (انصاریان)؛ تزکیه کرد: ۱ (بهرام پور)؛ پاکیزه داشت: ۱ (خرمشاهی)؛ پاک کرد: ۱ (قرائتی)؛ پاک گردانید: ۲ (فولادوند-صادقی تهرانی)؛ از گناه و بدکاری پاک و منزله سازد: ۱ (الهی قمشهای)؛ پاک ساخت: ۱ (معزی)؛ پاک و تزکیه کرده: ۱ (مکارم شیرازی)؛ پاک گردانیده و پاکیزه داشت از گناهان: ۱ (مجتبوی)؛ پاکیزه دارد و پبیراید: ۱ (خرم دل)

ها در "زکّاه": آن: ۴ (آیتی-خرمشاهی-فولادوند-مجتبوی)؛ نفس: ۱ (انصاریان)؛ خود: ۱ (بهرام پور)؛ نفس ناطقه: ۱ (الهی قمشهای)؛ ش ضمیر: ۱ (معزی)؛ نفس خود: ۱ (مکارم شیرازی)؛ جان خود: ۱ (قرائتی)؛ نفسش: ۱ (صادقی تهرانی)؛ نفس خویشتن: ۱ (خرم دل)

**﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ (۱۰) ﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا﴾ (۱۱)﴿**

قد: بدون ترجمه: ۶ (آیتی-انصاریان-مکارم شیرازی-خرم دل-مجتبوی-صادقی تهرانی)؛ بی گمان: ۱ (بهرام پور)؛ بی شک: ۱ (قرائتی)؛ به راستی: ۱ (خرمشاهی)؛ قطعاً: ۱ (فولادوند)؛ البته: ۱ (الهی قمشهای)؛ همانا: ۱ (معزی)

خاب: نومید گردید: ۱ (آیتی)؛ نومید شد: ۲ (انصاریان-خرمشاهی)؛ محروم گشت: ۲ (بهرام‌پور-قرائتی)؛ زیان کرد: ۱ (صادقی‌تهرانی)؛ درباخت: ۱ (فولادوند)؛ زیان‌کار خواهد گشت: ۱ (الهی‌قمشه‌ای)؛ نومید و بی‌بهره گشت: ۱ (مجتبوی)؛ آیان کرد: ۱ (معزی)؛ نومید و محروم گشت: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ ناامید و ناکام می‌گردد: ۱ (خرمدل)

دسّاه: در پلیدی فرو پوشید: ۱ (آیتی)؛ به (آلودگی و امور بازدارنده از رشد) بیالود: ۱ (انصاریان)؛ بیالود: ۱ (بهرام‌پور)؛ فرومایه داشت: ۱ (خرمشاهی)؛ آلوده‌اش ساخت: ۲ (صادقی‌تهرانی-فولادوند)؛ (به کفر و گناه) پلید گرداند: ۱ (الهی‌قمشه‌ای)؛ بیالود به کفر و گناهان: ۱ (مجتبوی)؛ بفریفتش: ۱ (معزی)؛ با معصیت و گناه آلوده ساخته: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ به پلیدی آلود: ۱ (قرائتی)؛ و (به معاصی) بیالاید: ۱ (خرمدل)

ها در "دسّاه": او را: ۱ (الهی‌قمشه‌ای)؛ آن را: ۴ (انصاریان-خرمشاهی-مجتبوی-قرائتی)؛ خود را: ۱ (بهرام‌پور)؛ ش ضمیر: ۴ (آیتی-فولادوند-معزی-صادقی‌تهرانی)؛ نفس خویش را: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ نفس خویش را: ۱ (خرمدل)

کذّبت: تکذیب کردند: ۹ (مکارم‌شیرازی-خرمدل-قرائتی-آیتی-انصاریان-بهرام‌پور-الهی‌قمشه‌ای-مجتبوی-معزی)؛ انکار پیشه کردند: ۱ (خرمشاهی)؛ به تکذیب پرداختند: ۲ (فولادوند-صادقی‌تهرانی)

طغواها: سرکشی: ۵ (آیتی-بهرام‌پور-مجتبوی-معزی-قرائتی)؛ طغیان: ۴ (خرمشاهی-فولادوند-مکارم‌شیرازی-صادقی‌تهرانی)؛ غرور و سرکشی: ۱ (الهی‌قمشه‌ای)؛ سرکشی و طغیان: ۱ (انصاریان)؛ طغیان و سرکشی: ۱ (خرمدل)

ب در "بطغواها": به سبب: ۲ (انصاریان-فولادوند)؛ با: ۳ (خرمشاهی-خرمدل-صادقی‌تهرانی)؛ از: ۱ (الهی‌قمشه‌ای)؛ به: ۱ (معزی)؛ بر اثر: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ از روی: ۴ (آیتی-بهرام‌پور-مجتبوی-قرائتی)

### ﴿إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا﴾ (۱۲) ﴿فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا﴾ (۱۳) ﴿﴾

إذ: آن‌گاه که: ۸ (آیتی-بهرام‌پور-خرمشاهی-فولادوند-مجتبوی-مکارم‌شیرازی-خرمدل-قرائتی)؛ زمانی که: ۱ (انصاریان)؛ هنگامی که: ۱ (الهی‌قمشه‌ای)؛ گاهی که: ۱ (معزی)؛ چون: ۱ (صادقی‌تهرانی)؛ انبعث: برخاست: ۳ (آیتی-فولادوند-خرمدل)؛ به پا خاست: ۴ (بهرام‌پور-قرائتی-انصاریان-مکارم‌شیرازی)؛ برپا خاست: ۱ (خرمشاهی)؛ برانگیخته شد: ۲ (الهی‌قمشه‌ای-صادقی‌تهرانی)؛ برانگیخت: ۱ (معزی)؛ انگیزته شد و برخاست: ۱ (مجتبوی)

أشقاها: شقی ترین: ۶ (آیتی-بهرام پور- فولادوند-الهی قمشه ای-مکارم شیرازی-صادقی تهرانی)؛ بدبخت ترین: ۴ (انصاریان-مجتبوی-خرمدل-قرائتی)؛ شقاوت پیشه ترین: ۱ (خرمشاهی)؛ بدنهادتر: ۱ (معزی)

رسول الله: پیامبر خدا: ۵ (آیتی-بهرام پور-خرمشاهی-مجتبوی-قرائتی)؛ فرستاده خدا: ۴ (انصاریان- فولادوند-خرمدل-صادقی تهرانی)؛ رسول خدا: ۱ (الهی قمشه ای)؛ فرستاده الهی: ۱ (مکارم شیرازی)؛ پیامبر خدا: ۱ (معزی)

ناقه: ماده شتر: ۴ (آیتی-فولادوند-مجتبوی-صادقی تهرانی)؛ ناقه: ۴ (انصاریان-بهرام پور-الهی قمشه ای-مکارم شیرازی)؛ اشتر: ۱ (معزی)؛ شتر: ۳ (خرمشاهی-خرمدل-قرائتی) ترجمه تحذیر: واگذارید: ۲ (آیتی-انصاریان)؛ آزاد گذارید: ۱ (بهرام پور)؛ رعایت کنید: ۱ (خرمشاهی)؛ واگذارید و مزاحم آن نشوید: ۱ (مکارم شیرازی)؛ واگذارید و آزارش مکنید: ۱ (مجتبوی)؛ بترسید: ۱ (الهی قمشه ای)؛ زنهار... حرمت نهید: ۳ (فولادوند-قرائتی-صادقی تهرانی)؛ کاری به شتر نداشته باشید: ۱ (خرمدل)؛ بدون ترجمه: ۱ (معزی)

سقیها: آبشخورش: ۶ (آیتی-انصاریان-مجتبوی-معزی-مکارم شیرازی-قرائتی)؛ آب خوردن: ۳ (بهرام پور-فولادوند-صادقی تهرانی)؛ بهره آبش: ۱ (خرمشاهی)؛ نوبت آبش: ۱ (خرمدل)؛ سیراب گردانید: ۱ (الهی قمشه ای)

### ﴿فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهُمَا فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا﴾ (۱۴)

ه در کذبوه: او: ۸ (آیتی-انصاریان-بهرام پور-خرمشاهی-مجتبوی-خرمدل-قرائتی-مکارم شیرازی)؛ ش ضمیر: ۲ (معزی-صادقی تهرانی)؛ رسول: ۲ (فولادوند-الهی قمشه ای) کذبوه: تکذیب نمودند: ۲ (انصاریان-بهرام پور)؛ به تکذیب برخاستند: ۱ (انصاریان)؛ دروغ زن شمردند: ۲ (خرمشاهی-فولادوند)؛ دروغ گو نامیدند: ۱ (خرمدل)؛ دروغ گو شمردند: ۱ (مجتبوی)؛ دروغ زنش خواندند: ۱ (صادقی تهرانی)؛ تکذیب کردند: ۵ (معزی-آیتی-الهی قمشه ای-مکارم شیرازی-قرائتی)

عقروها: پی کردند: ۹ (آیتی-انصاریان-بهرام پور-فولادوند-الهی قمشه ای-مجتبوی-معزی-مکارم شیرازی-صادقی تهرانی)؛ کشتند: ۳ (خرمدل-قرائتی-خرمشاهی) ها در عقروها: ناقه: ۲ (انصاریان-مکارم شیرازی)؛ آن (شتر/ماده شتر): ۴ (بهرام پور-صادقی تهرانی-خرمشاهی-فولادوند)؛ ناقه او: ۱ (الهی قمشه ای)؛ آن: ۱ (مجتبوی)؛ شتر: ۲ (خرمدل-آیتی)؛ بدون ترجمه: ۱ (معزی)

دمدم علیهم: عذاب سختی فرو ریخت: ۱ (آیتی)؛ آن ها را بگرفت: ۱ (انصاریان)؛ آنان را نابود ساخت: ۱ (بهرام پور)؛ عذاب را بر آنان فراگیر ساخت: ۱ (خرمشاهی-مجتبوی)؛ هلاک ساخت: ۲

(فولادوند-الهی قمشه‌ای)؛ آنان را هلاک و نابود ساخت: ۱ (معزی)؛ آن‌ها را درهم کوبید: ۲ (قرائتی- مکارم‌شیرازی)؛ بر آنان خشم گرفت: ۱ (خرمدل)؛ بر (سر و سامان) شان هلاکتی پر اضطراب فرو فرستاد: ۱ (صادقی‌تهرانی)

ب- در بذنبهم: به سبب: ۱ (خرمدل)؛ به خاطر: ۲ (آیتی- مکارم‌شیرازی)؛ به: ۳ (انصاریان- بهرام‌پور- معزی)؛ به سزای: ۴ (خرمشاهی- مجتبوی- قرائتی- صادقی‌تهرانی)؛ به کیفر: ۲ (فولادوند- الهی قمشه‌ای)

رَبِّهِمْ: پروردگارشان: ۷ (آیتی- بهرام‌پور- خرمشاهی- معزی- قرائتی- مکارم‌شیرازی- صادقی‌تهرانی)؛ خدایشان: ۱ (مجتبوی)؛ خدا: ۴ (انصاریان- فولادوند- الهی قمشه‌ای- خرم‌دل) بذنبهم: گناهشان: ۱۰ (خرمدل- قرائتی- صادقی‌تهرانی- آیتی- بهرام‌پور- خرمشاهی- فولادوند- الهی قمشه‌ای- مجتبوی- معزی)؛ گناهانشان: ۲ (انصاریان- مکارم‌شیرازی)

سَوَّاهَا: با خاک یکسان و برابر ساخت: ۱ (آیتی)؛ با خاک یکسانشان کرد: ۱ (انصاریان)؛ به یکسان نابود کرد: ۱ (بهرام‌پور)؛ با خاک یکسان کرد: ۵ (قرائتی- معزی- خرمشاهی- مجتبوی- خرم‌دل)؛ با خاک یکسان نمود: ۲ (فولادوند- الهی قمشه‌ای)؛ با خاک یکسان و صاف کرد: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ سامانش داد: ۱ (صادقی‌تهرانی)

ها در سَوَّاهَا: همه قوم را: ۱ (آیتی)؛ آن‌ها را: ۱ (انصاریان)؛ آنان را: ۳ (بهرام‌پور- قرائتی- خرمشاهی)؛ ایشان: ۱ (خرمدل)؛ ش ضمیر: ۲ (صادقی‌تهرانی- معزی)؛ شهرشان را: ۲ (فولادوند- الهی قمشه‌ای)؛ شان ضمیر: ۱ (مجتبوی)؛ بدون ترجمه: ۱ (مکارم‌شیرازی)

### ﴿وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا﴾ (۱۵)

لا یخاف: باک/باکی نمی‌داشت: ۲ (بهرام‌پور- الهی قمشه‌ای)؛ بیمناک نشد: ۱ (آیتی)؛ پروایی ندارد: ۱ (انصاریان)؛ بیمی به خود راه نداد: ۱ (فولادوند)؛ نترسد/نمی‌ترسد: ۲ (خرمدل- خرمشاهی)؛ بیم نمی‌داشت: ۱ (مجتبوی)؛ نهراسد: ۱ (معزی)؛ بیم ندارد: ۲ (مکارم‌شیرازی- قرائتی)؛ بیمی نمی‌دارد: ۱ (صادقی‌تهرانی)

عقبی: سرانجام: ۳ (آیتی- مجتبوی- انصاریان)؛ عاقبت: ۴ (قرائتی- بهرام‌پور- خرمشاهی- خرم‌دل)؛ فرجام: ۲ (معزی- مکارم‌شیرازی)؛ پیامد: ۱ (فولادوند)؛ پی‌آمد: ۱ (صادقی‌تهرانی)؛ بدون ترجمه: ۱ (الهی قمشه‌ای)

ها در عقبها: آن: ۳ (آیتی- بهرام‌پور- مجتبوی)؛ آن کار: ۲ (انصاریان- قرائتی)؛ کارش: ۱ (خرمشاهی)؛ کار خویش: ۲ (فولادوند- صادقی‌تهرانی)؛ ش ضمیر: ۱ (معزی)؛ این کار: ۱ (مکارم‌شیرازی)؛ کارشان: ۱ (خرمدل)؛ بدون ترجمه: ۱ (الهی قمشه‌ای)

## مقایسه آماری همسانی‌ها و ناهمسانی‌ها به صورت مقابله‌ای

### ترجمه خرمشاهی

بهاء‌الدین خرمشاهی یکی از قرآن‌پژوهان و مترجمان زبده معاصر ایران است. در این ترجمه «پس از درج هریک صفحه از مصحف شریف در ستون مقابل ترجمه فارسی آن را آورده و کلمات مشکل و متشابه و غریب هر آیه و مفاهیم کلیدی و مسائل دشوار در ذیل هر صفحه آمده است. در پایان این ترجمه واژه‌نامه قرآنی فارسی و چند مقاله در زمینه تاریخ قرآن و عدم تحریف قرآن و مسائل دیگر قرآن‌پژوهی قرار دارد» (اجاق فقیهی، ۱۳۷۵ش: ۶۴) میزان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های ترجمه ایشان با دیگر ترجمه‌ها به شرح زیر است:



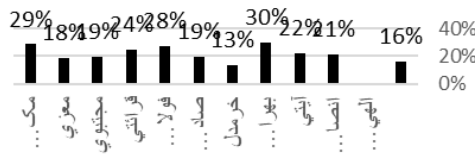
بیشترین تفاوت‌های این ترجمه به ترتیب با ترجمه‌های معزی ۸۵٪ و الهی‌قمشهای ۸۴٪ و بیشترین شباهت‌ها با ترجمه قرائتی ۵۰٪ است.

### ترجمه الهی‌قمشهای

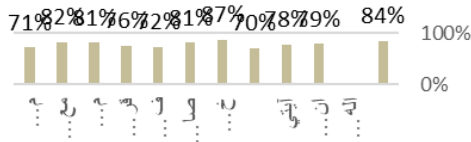
مهدی الهی‌قمشهای «سال‌ها در دانشگاه تهران استاد زبان عربی بود و در دانشکده معقول و منقول به تدریس فلسفه اشتغال ورزید. ترجمه قرآن وی یکی از آثار است که بیش از صد بار چاپ شده است. او درحقیقت آغازگر ترجمه معاصر قرآن مجید است» (خرمشاهی، ۱۳۸۱ش: ۲۸۲) از مهم‌ترین امتیازات ترجمه خوب تفسیری این روحانی باخلاص و فقیه و فیلسوف و صاحب‌نظر، که در دهه‌های اخیر تأثیرگذار هم بوده است، رعایت دقیق مبانی کلامی و اعتقادی شیعه است. (برهانیان،

۱۳۸۵ش: ۲۵) نخستین چاپ ترجمه الهی‌قمشه‌ای شاید با توجه به نثر ساده و روان و همه‌فهم آن بیشتر از هر ترجمه دیگری در ایران به‌چاپ رسیده است. «ترجمه مرحوم قمشه‌ای از آن جهت حائز اهمیت است که در پایان دوره‌ای از ترجمه‌های تحت‌اللفظی قرآن نوشته می‌شود. این ترجمه اولین بار در سال ۱۳۲۳ش به‌چاپ می‌رسد. امتیاز عمده این ترجمه این است که برخلاف ترجمه‌های پیشین که در آن‌ها ترجمه آیات بین سطور آمده، در این‌جا ترجمه در صفحه مقابل آمده است. چاپ ترجمه در صفحه مقابل بیانگر ظهور نسلی از خوانندگان است که به‌خواندن قرآن به زبان عربی اکتفا نمی‌کنند و مایل‌اند جدا از ثواب خواندن قرآن به زبان عربی معنی آیات را هم درک کنند. اتفاقاً سبک ترجمه مرحوم قمشه‌ای هم مؤید این نکته است چون سبک بسیار فارسی‌گرا و خواننده‌محور و بسیار روشن و سلیس است و این را همه منتقدان این ترجمه تصریح کرده‌اند و امتیاز بزرگ آن دانسته‌اند» (خزاعی فرید و قاضی‌زاده، ۱۳۹۴ش: ۹۰) البته این بدان معنا نیست که این ترجمه خالی از اشتباهات است، علت این امر شاید آن باشد که این ترجمه، اولین ترجمه‌ای فارسی قرآن کریم است که به‌شیوه تفسیرآمیز و نقل‌به‌معنا یا همان ترجمه آزاد صورت گرفته است. شاید از پرسامدترین و مهم‌ترین اشتباهات این ترجمه بتوان به درآمیختن شرح و تفسیر با ترجمه، عطف دو واژه مترادف بر همدیگر و قلم‌گردانی‌های غیر ضرور و نیز تغییر ساختار واحدهای دستوری زبان اشاره کرد. اما هرچه باشد استاد الهی‌قمشه‌ای پرچمدار نهضت نوین ترجمه قرآن کریم بوده و سهم زیادی در افزایش انس و الفت مردم ایران‌زمین با قرآن کریم در این شصت‌و‌اندی سال اخیر داشته است و شاید اگر ایشان در قید حیات بود، بسیاری از نارسایی‌ها را اصلاح و ویراسته می‌نمود. میزان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های ترجمه ایشان با دیگر ترجمه‌ها به‌شرح زیر است:

### همسانی‌های ترجمه



### ناهمسانی‌های ترجمه



بیشترین تفاوت‌های این ترجمه به ترتیب با ترجمه‌های خرم‌دل ۸۷٪، خرمشاهی ۸۴٪ و بیشترین شباهت‌ها با ترجمه‌های بهرام‌پور ۳۰٪ و مکارم‌شیرازی ۲۹٪ است.

### ترجمه انصاریان

حجة الاسلام حسین انصاریان مدت چهار سال تلاش نمود تا بتواند ترجمه‌ای دقیق و قابل فهم از قرآن ارائه کند، به همین منظور با مراجعه به منابع تفسیری چون مجمع البیان، صافی، نور الثقلین، و مراجع لغت مانند: مفردات راغب و فروغ اللغات سعی کرده ترجمه واژگان قرآنی از اتقان مناسبی برخوردار بوده و مجموع آیه با نگاه به مباحث تفسیری آن ترجمه شود، لذا گاهی با آوردن توضیحات اضافی برگرفته از تفاسیر متن ترجمه را تکمیل کرده است. میزان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های ترجمه ایشان با دیگر ترجمه‌ها به شرح زیر است:



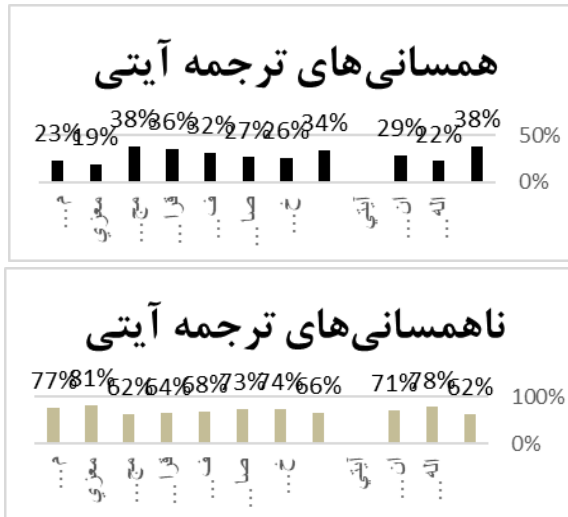
بیشترین تفاوت‌های این ترجمه با ترجمه‌های الهی‌قمشه‌ای و خرم‌دل و معزی هر سه ۷۹٪ است و بیشترین شباهت‌ها با ترجمه قرائتی ۴۰٪ است.

### ترجمه آیتی

عبدالحمید آیتی «در سال ۱۳۰۵ش در شهر بروجرد به دنیا آمد. وی علاقه زیادی به کار ترجمه داشت، بنابراین از همان ابتدا چندین کتاب را در حوزه‌های مختلف فلسفه، تاریخ و ادب فارسی و عربی ترجمه نمود. مهم‌ترین اثر ترجمه‌ای وی را می‌توان ترجمه قرآن کریم دانست که به روش جمله‌به‌جمله نگاشته شده است» (زارع و مهتدی، ۱۳۹۷ش: ۱۶۰) «چاپ اول ترجمه آیتی در سال ۱۳۶۷ش و چاپ چهارم در سال ۱۳۷۴ش منتشر شده است. ترجمه آیات در صفحات روبه‌روی متن قرآن در سمت چپ آمده



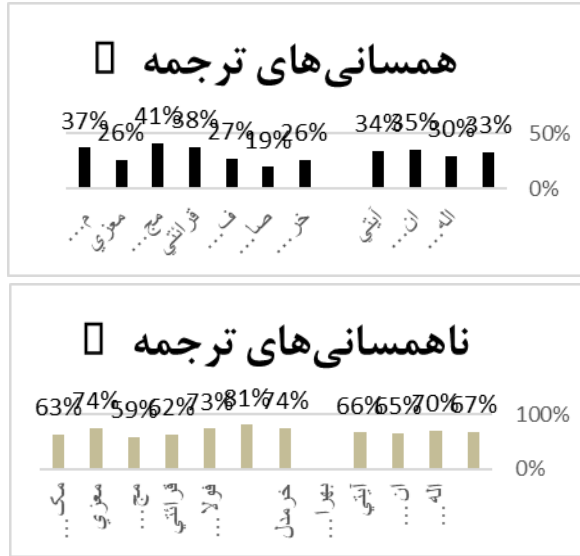
است. ویرایش ترجمه را موسی اسوار به‌عهده داشته است. ترجمه حاضر از بهترین ترجمه‌های قرآن در زمان حاضر و بسیار مورد استقبال قرار گرفته است» (اجاق‌فقیهی، ۱۳۷۵ش: ۶۱) «ترجمه آیتی ترجمه‌ای است که در عصر حاضر منطبق با دستور زبان فارسی روز و الگوهای آن نگاشته شده است» (زارع و مهتدی، ۱۳۹۷ش: ۶۰-۵۹) خود ایشان در بیان شیوه کار ترجمه می‌گوید: در ترجمه خود سعی کرده‌ام چیزی بر متن نیفزایم، ترجمه تفسیری نیست، ترجمه متن است. کوشیده‌ام از لغات مبتذل و پیش‌پاافتاده خالی باشد. «آیتی تلاش کرده تا عنصر تفسیر را در ترجمه خود به حداقل برساند ولی در برخی موارد آن را در ترجمه وارد کرده است» (زارع و مهتدی، ۱۳۹۷ش: ۶۰-۵۹) میزان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های ترجمه ایشان با دیگر ترجمه‌ها به‌شرح زیر است:



بیشترین تفاوت‌های این ترجمه به‌ترتیب با ترجمه‌های معزی ۸۱٪ و الهی‌قمشه‌ای ۷۸٪ و مکارم‌شیرازی ۷۷٪ و بیشترین شباهت‌ها با ترجمه‌های خرماشاهی و مجتبیوی هر دو ۳۸٪ است.

### ترجمه بهرام‌پور

ابوالفضل بهرام‌پور مترجم معاصر قرآن و نهج‌البلاغه است. در ترجمه ایشان، آیات در زیر هر خط نوشته شده و واژگان و عبارات دشوار در حاشیه آن شرح شده تا به فهمیدن بهتر ترجمه کمک کرده باشد. میزان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های ترجمه ایشان با دیگر ترجمه‌ها به‌شرح زیر است:

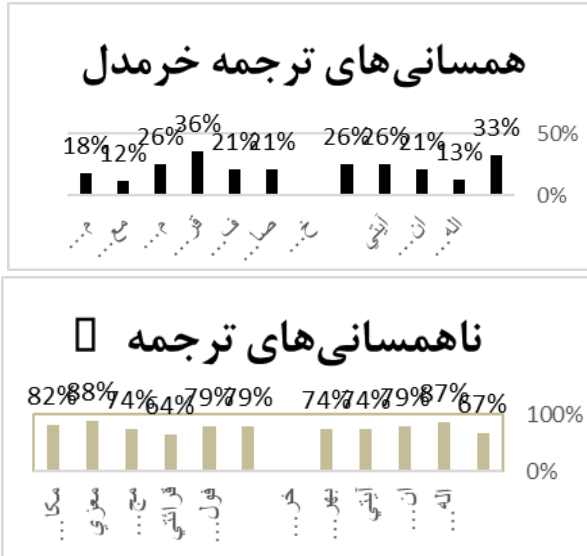


بیشترین تفاوت‌های این ترجمه به ترتیب با ترجمه صادقی تهرانی ۸۱٪ و بیشترین شباهت‌ها با ترجمه مجتبوی ۴۱٪ است.

### ترجمه خرم‌دل

مصطفی خرم‌دل مفسر گرد ایرانی تفسیر قرآنی نور را در فروردین ۱۳۷۰ ش به پایان رسانده و اولین بار آن را در سال ۱۳۷۲ ش توسط انتشارات احسان در تهران به چاپ رساند. ترجمه ایشان از قرآن پیش از ارائه تفسیر، در ضمن همین کتاب بیان شده است. در این ترجمه، افزوده‌های تفسیری زیادی به کار گرفته شده تا متن ترجمه آسان‌تر و زودفهم شود و مترجم بتواند به ترجمه افعال و قیود متن اصلی وفادارتر بماند. البته این مسأله در ترجمه‌های معاصر روبه‌فزونی است. «در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم به زبان فارسی، استفاده از تکنیک بسط به میزان قابل توجهی گسترش یافته است و این امر می‌تواند ناشی از رویکرد تفسیرگرایانه مترجمان معاصر شیعه بر اساس باورهای مذهبی و مبانی شیعی آن‌ها باشد. در ترجمه‌های قدیمی‌تر اما این رویکرد تفسیرگرایانه بسیار کم‌رنگ است، چون ترجمه‌های قدیمی بیشتر تحت‌اللفظی است» (امیری‌فر و دیگران، ۱۳۹۵ ش: ۱۴) لذا امروزه «افزوده‌های تفسیری یکی از لوازم لاینفک ترجمه قرآن است که اهتمام به آن از مهم‌ترین عوامل موفقیت یک ترجمه می‌باشد. در میان آن‌چه که برای مترجم حائز اهمیت است، صرف آشنایی با زبان عربی و زبان مقصد کفایت نمی‌کند، بلکه احاطه به تفسیر قرآن نقش بیشتری در القاء مفهوم آیه در قالب ترجمه دارد»

(ابراهیمی و طهماسبی بلداجی و محمدی‌نبی‌کندی، ۱۳۹۳: ۸۶) میزان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های ترجمه‌ایشان با دیگر ترجمه‌ها به شرح زیر است:

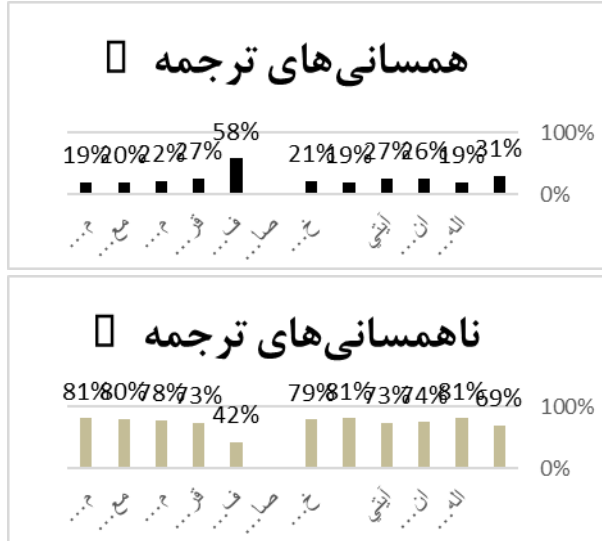


بیشترین تفاوت‌های این ترجمه به ترتیب با ترجمه‌های معزی ۸۸٪ و الهی‌قمشه‌ای ۸۷٪ و بیشترین شباهت‌ها با ترجمه‌های قرائتی ۳۶٪ و خرمشاهی ۳۳٪ است.

### ترجمه‌صادقی‌تهرانی

آیت‌الله دکتر محمد صادقی‌تهرانی ترجمه فارسی خود از قرآن را با نام "ترجمان وحی" توسط انتشارات کلیدر تهران به چاپ رساند، در این ترجمه نیز مترجم برای تفهیم بهتر آیات قرآنی از افزوده‌های تفسیری درون پرانتز و کمانک کمک گرفته است، هدف این کار «ارائه صحیح و تفهیم اجمالی پیام آیات از لوازم لاینفک ترجمه است، چرا که قرآن کریم کلام خداوند تبارک و تعالی است که در اوج فصاحت و بلاغت با محتوای پرمغز و عمیق نازل شده که ترجمه آن امری دشوار است. به‌رحال ترجمه آیات قرآن باید به‌گونه‌ای ارائه شود که مفهوم برای مخاطب رسا باشد، زیرا «هر کس به‌مقدار عمق فکر خویش و به‌اندازه فهم و آگاهی و شایستگی‌اش از قرآن استفاده می‌کند، بی‌آن‌که عمق کرانه‌های آن بر کسی به‌جز ائمه معصومین (ع) آشکار باشد، ولی مسلماً هیچ‌کس از کنار چشمه قرآن محروم بازمی‌گردد.» (ممتحن و قربانی، ۱۳۹۳: ۱۵۸) لذا از مهم‌ترین راهکارهای تفهیم پیام آیات در قالب ترجمه افزوده‌های تفسیری است که مترجمان معاصر از آن بهره برده‌اند. این افزوده‌ها غالباً در قالب گیومه و فراتر از ترجمه‌های تحت‌اللفظی ارائه می‌شوند.» (ابراهیمی و طهماسبی بلداجی و

محمدی‌نبی‌کندی، ۱۳۹۳ش: ۸۴) البته این افزوده‌های تفسیری منطبق بر تفاسیر الفرقان و المیزان است. میزان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های ترجمه ایشان با دیگر ترجمه‌ها به شرح زیر است:

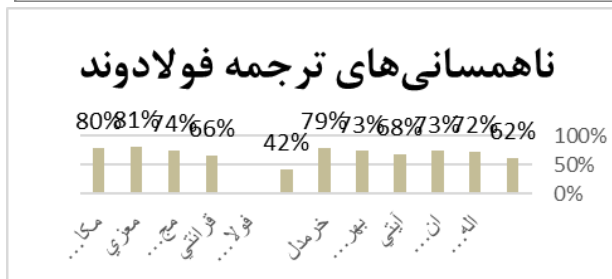
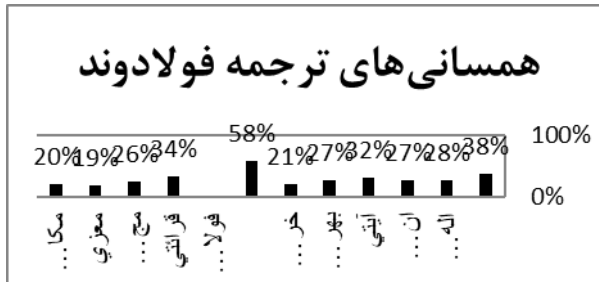


بیشترین تفاوت‌های این ترجمه با ترجمه‌های مکارم‌شیرازی و الهی‌قمشه‌ای و بهرام‌پور هر سه ۸۱٪ و معزی ۸۰٪ و خرم‌دل ۷۹٪ و مجتوبی ۷۸٪ و بیشترین شباهت‌ها با ترجمه فولادوند ۵۸٪ است.

### ترجمه فولادوند

استاد محمد مهدی فولادوند پس از مدت‌ها بررسی و تصحیح، ترجمه خود را در سال ۱۳۷۶ش توسط دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی به چاپ رساند و این ترجمه در مدتی کوتاه توانست جایگاه شایسته‌ای در بین ترجمه‌های معاصر پیدا کرده و از جمله ترجمه‌های طراز اول و ممتاز قرآن به‌شمار آید. «نام و آوازه نیکو، یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است. البته به شرطی که مولود شخصیت واقعی آدمی و خصال والایی او باشد و کاذبانه نبوده و با تبلیغات و تملقات دروغین پدید نیامده باشند» (ممتحن و صدری، ۱۳۹۳: ۱۰۵) این کلام کاملاً در خصوص استاد فولادوند صدق می‌کند، زیرا ترجمه او، از «ترجمه‌های موفق و مهم دهه اخیر به‌شمار می‌رود. مترجم آن بیست سال برای ترجمه آن زحمت کشیده است. این ترجمه با راهنمایی‌های آیت‌الله خزعلی و تحقیق و بررسی جواد محدثی و هیئت علمی دارالقرآن الکریم انجام داده و با ویراستاری نهایی بهاء‌الدین خرمشاهی به چاپ رسیده است. چند تن از قرآن‌پژوهان معاصر چون بهاء‌الدین خرمشاهی، محمدعلی مهدوی‌راد، مصطفی ملکیان و مهدی محقق بر این ترجمه مهر تأیید زده‌اند» (اجاق‌فقیهی، ۱۳۷۵ش: ۶۶) «این ترجمه به‌مدت سه سال زیر نظر هیأتی از فضلاء حوزه علمیه قم با مراجعه مداوم به تفاسیر معتبر و ترجمه‌های

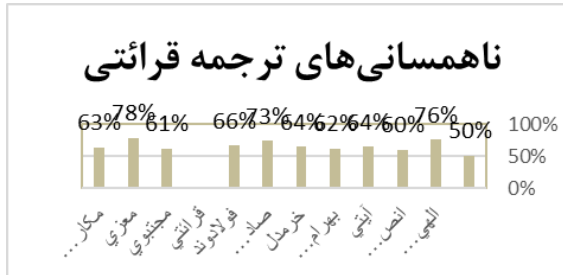
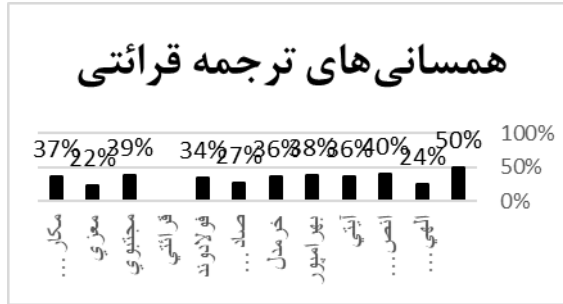
کهن فارسی ویرایش شده است» (رضی بهابادی، ۱۳۷۷ش: ۲۶) شاید به‌همین منظور است که بهاء‌الدین خرمشاهی دربارهٔ این ترجمه گفته است: «بدون اغراق ترجمهٔ فولادوند از بهترین ترجمه‌های موجود در زبان فارسی است» (خرمشاهی، ۱۳۷۰ش: ۳۴۳) از مهم‌ترین خصوصیات که برای ترجمهٔ فولادوند ذکر می‌شود مطابقی بودن آن است، (کوشا، ۱۳۸۶ش: ۱۵۷) این ترجمه «ترجمه‌ای است به فارسی امروزی، سراسر ساده، بدون سبک و فاقد گرایش‌های خاص و افراطی، نه فارسی‌گرایی مفرط دارد و نه عربی‌گرایی. نحو عبارات پیچیده نیست و بسیار مفهوم است. مهم‌ترین ویژگی این اثر، دقت بی‌نظیر مترجم در مطابقت آن با متن مقدس قرآن کریم است» (خانی‌کلفای و حلال‌خور، ۱۳۹۴ش: ۹۵) میزان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های ترجمهٔ ایشان با دیگر ترجمه‌ها به‌شرح زیر است:



بیشترین تفاوت‌های این ترجمه به‌ترتیب با ترجمه‌های معزی ۸۱٪ و مکارم‌شیرازی ۸۰٪ و خرم‌دل ۷۹٪ و بیشترین شباهت‌ها با ترجمهٔ صادقی‌تهرانی ۵۸٪ است.

### ترجمهٔ قرائتی

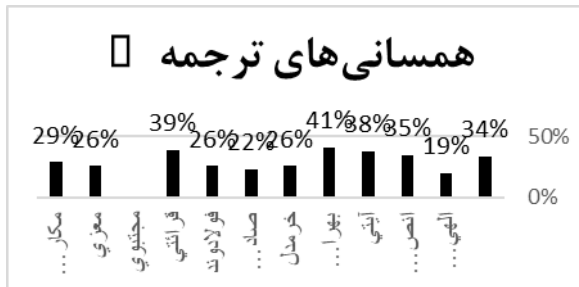
حجت‌الاسلام محسن قرائتی ترجمهٔ خود را در لابلای تفسیر ده‌جلدی نور در سال ۱۳۷۴ش در انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن به‌چاپ رساند و بعدها این ترجمه به‌صورت مجزا در سال ۱۳۹۵ش به‌چاپ رسید. این تفسیر به زبان ساده و روان و قابل‌استفاده برای عموم نوشته شده است و شامل پیام‌های کوتاه و کاربردی قابل‌انطباق بر زندگی امروزه است. میزان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های ترجمهٔ ایشان با دیگر ترجمه‌ها به‌شرح زیر است:

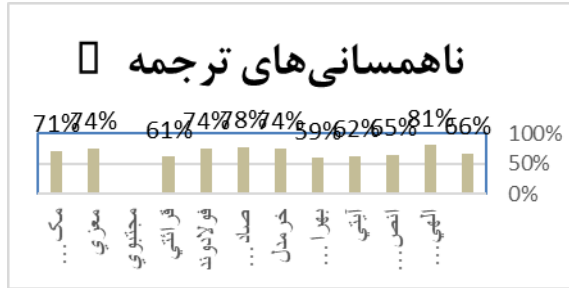


بیشترین تفاوت‌های این ترجمه به ترتیب با ترجمه‌های معزی ۷۸٪ و الهی‌قمشه‌ای ۷۶٪ و بیشترین شباهت‌ها با ترجمه خرمشاهی ۵۰٪ است.

### ترجمه مجتبوی

سید جلال‌الدین مجتبوی «از اساتید دانشگاه و دارای سابقه درخشان در امر ترجمه است. ترجمه وی از قرآن در زمره بهترین و استوارترین و شیواترین ترجمه‌های قرآن به‌شمار می‌رود. ویرایش این اثر را حسین استادولی انجام داده‌اند» (اجاق‌فقیهی، ۱۳۷۵ ش: ۶۷) ایشان با استفاده از علائم سجاوندی تلاش کرده که از اختلاط ترجمه با تفسیر جلوگیری کند اما باین‌وجود، آیاتی که به‌سادگی قابل فهم نیست توضیح داده شده و احتمالات موجود با نگاه به منابع روایی و تفسیری بیان شده است. میزان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های ترجمه ایشان با دیگر ترجمه‌ها به شرح زیر است:



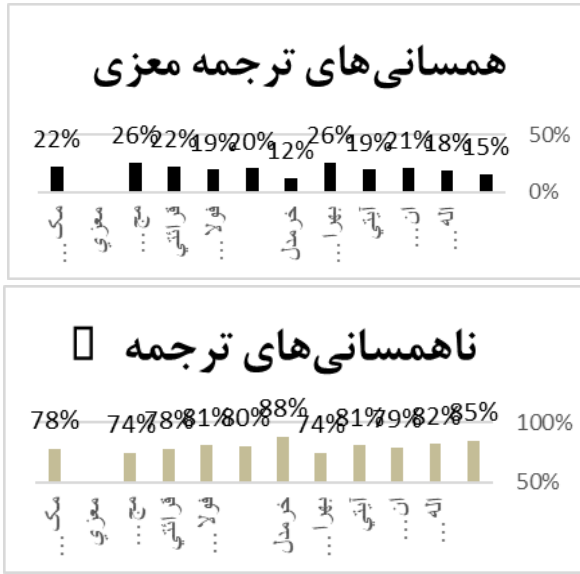


بیشترین تفاوت‌های این ترجمه به‌ترتیب با ترجمه‌های الهی‌قمش‌های ۸۱٪ و صادقی‌تهرانی ۷۸٪ و بیشترین شباهت‌ها با ترجمه‌های بهرام‌پور ۴۱٪ و قرائتی ۳۹٪ و آیتی ۳۸٪ است.

### ترجمه معزی

شیخ محمدکاظم معزی به‌سال ۱۲۹۸ ش در شهر دزفول دیده به جهان گشوده و در سال ۱۳۴۸ ش در تهران دیده از جهان فروبست و در شهر قم به خاک سپرده شد «ترجمه وی که برای اولین بار در سال ۱۳۳۶ ش به‌چاپ رسید، به روش تحت‌اللفظی است و برخی آن را پایان‌بخش ترجمه‌های تحت‌اللفظی قرآن به زبان فارسی دانسته‌اند، اما پس از آن چندین ترجمه تحت‌اللفظی دیگر نیز ارائه شده است» (زارع و مهتدی، ۱۳۹۷ ش: ۱۶۰) «ترجمه معزی به‌دلیل شیوه تحت‌اللفظی خود در ترجمه آیات تا حد امکان تمام لغات را ترجمه کرده است، بنابراین می‌توان آن را بهترین منبع برای خوانندگان مبتدی دانست که آشنائی زیادی به فن ترجمه عربی ندارند» (همان) ترجمه معزی «در عین تحت‌اللفظی بودن، ترجمه‌ای ساده به فارسی سره با نثری روان و شیوا و شاید بتوان ادعا کرد از بهترین ترجمه‌های تحت‌اللفظی و در این‌میان سرآمد است. چاپ اول این ترجمه به‌سال ۱۳۷۷ ش توسط کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة صورت گرفته است» (اجاق‌فقیهی، ۱۳۷۵ ش: ۶۷) خرمشاهی این ترجمه را از بهترین ترجمه‌های قرآنی و آخرین ترجمه تحت‌اللفظی مهم و معنی‌دار قرآن کریم می‌داند که به سبک و سیاق هزار ساله ترجمه تحت‌اللفظی قرآن کریم در زبان فارسی حسن ختام می‌بخشد. «مترجم از عنصر تفسیر در کمترین موارد بهره می‌گیرد و به‌دلیل پایبندی به اصل امانت‌داری در نقل‌قول به الگوهای بیانی و ساختاری دستوری متن اصلی نزدیک‌تر است.» (همان) اما باوجود تحت‌اللفظی بودن این ترجمه، «ترجمه‌ای است مطابق با زبان مبدأ که البته در برخی از موارد همگام با متن قرآن نبوده و از افزوده‌هایی داخل ترجمه بهره می‌گیرد، با دستور زبان فارسی مطابق نیست و هیچ‌گاه محذوف را در ترجمه ذکر نمی‌کند و گاهی توضیحاتی را داخل پرانتز به‌عنوان افزوده‌های تفسیری می‌آورد. علاوه بر انتقال معنای حقیقی، معنای مجازی کنایه و استعاره را نیز داخل پرانتز می‌آورد. این ترجمه تحت‌اللفظی است و با اینکه شیوایی و روانی زبان ترجمه را ندارد ولی واژه‌ها یک‌به‌یک و دقیق ترجمه

می‌شوند و در زمینه یکسان‌سازی در ترجمه، تنها یکسان‌سازی در ترجمه اسم را رعایت می‌کند. در زمینه ترجمه ادوات تأکید، از جمله نون تأکید و ادوات حصر، گاهی نون تأکید را ترجمه نمی‌کند.» (ناصری و شیروی‌خوزانی و توکلی‌محمدی، ۱۳۹۳ش: ۱۶۴) میزان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های ترجمه ایشان با دیگر ترجمه‌ها به شرح زیر است:



بیشترین تفاوت‌های این ترجمه به ترتیب با ترجمه‌های خرم‌دل ۸۸٪ و خرمشاهی ۸۵٪ و بیشترین شباهت‌ها با ترجمه‌های بهرام‌پور و مجتبوی هر دو ۲۶٪ است.

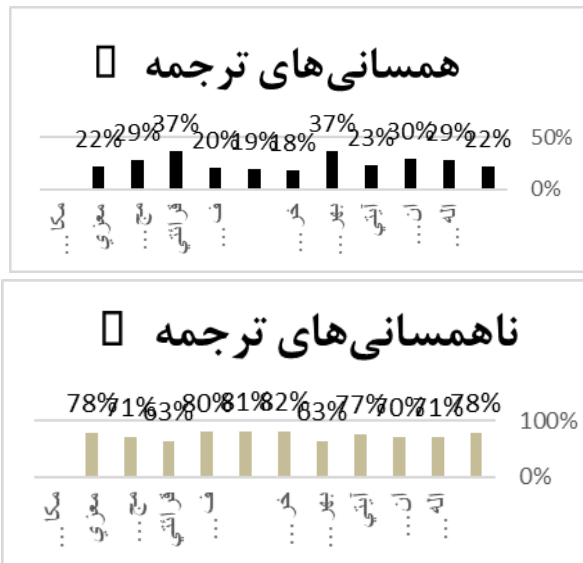
### ترجمه مکارم‌شیرازی

ترجمه قرآنی آیت‌الله مکارم‌شیرازی، «به صورت خوشخوان و روان و زودیاب یکی از راه‌هایی است که می‌توان مفاهیم و محتوای آیات را در اختیار عموم مردم قرار داد و از این طریق راه را برای هدایت‌بخشی قرآن هموارتر ساخت. ترجمه قرآن باید به صورتی باشد که خواننده به آسانی و شفاف و بدون هیچ ابهامی به مراد آیات الهی در حدّ ترجمه دست یابد و بدین‌سان از هدایت قرآن برخوردار گردد» (آسه، ۱۳۹۰ش: ۷۲) زیرا «قرآن کریم معجزه بزرگ حضرت ختمی مرتبت، گنجی بی‌پایان است که با ظهور اسلام بر ایشان نازل شد. با گذر زمان، سرچشمه‌های شکفت و تازه‌ای از این کتاب آسمانی کشف می‌شود.» (ممتحن و حاجی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۷۳)

ترجمه مکارم‌شیرازی «ترجمه‌ای محتوا به محتوا و از نوع ترجمه به زبان روزمره مردم است. این ترجمه گردآمده ترجمه‌هایی است که در تفسیر نمونه در ذیل آیات آمده است. ویراستاری ترجمه را



جواد محدثی برعهده داشته و تحقیق و بررسی آن را هیئت علمی دارالقرآن کریم انجام داده‌اند» (اجاق‌فقیهی، ۱۳۷۵: ۶۷) میزان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های ترجمه‌های ایشان با دیگر ترجمه‌ها به شرح زیر است:



بیشترین تفاوت‌های این ترجمه به ترتیب با ترجمه‌های خرم‌دل ۸۲٪ و صادقی‌تهرانی ۸۱٪ و فولادوند ۸۰٪ و خرمشاهی و معزی ۷۸٪ و بیشترین شباهت‌ها با ترجمه‌های بهرام‌پور و قرائتی هر دو ۳۷٪ است.

### جمع‌بندی نهایی و مقایسه آماری همسانی‌ها و ناهمسانی‌ها

#### جدول مقایسه همسانی‌ها به عدد

میزان شباهت‌ها/همسانی‌ها در ۱۰۲ واژه با ترجمه‌های متفاوت در ترجمه سوره‌های بلد و شمس، میان ترجمه‌های مورد بررسی به شکل جدول زیر است که البته میزان کمینه و بیشینه این شباهت‌ها نیز استخراج شده است.



مکارم شیرازی	ی	معزی	مجتبوی	قرائتی	فولادوند	صادقی تهرانی	ی	خرمدل	بهرام پور	آیتی	انصاریان	الهی قمشه‌ای	خرمشاهی	
22	15	33	49	37	30	32	32	37	27	16			خرمشاهی	
28	18	19	24	27	19	13	29	22	21		16		الهی قمشه‌ای	
29	21	34	39	26	25	21	34	28		21	27		انصاریان	
23	19	37	35	31	26	25	33		28	22	37		آیتی	
36	25	40	37	26	19	25		33	34	29	32		بهرام پور	
18	12	25	35	21	21		25	25	21	13	32		خرمدل	
19	20	22	26	57		21	19	26	25	19	30		صادقی تهرانی	
20	19	25	33		57	21	26	31	26	27	37		فولادوند	
36	22	38		33	26	35	37	35	39	24	49		قرائتی	
28	25		38	25	22	25	40	37	34	19	33		مجتبوی	
22		25	22	19	20	12	25	19	21	18	15		معزی	
	22	28	36	20	19	18	36	23	29	28	22		مکارم شیرازی	
36	25	40	49	57	57	35	40	37	39	29	49		بیشینه	
18	12	19	22	19	19	12	19	19	21	13	15		کمینه	

جدول مقایسه همسانی‌ها به درصد

مکارمشیرازی	معزی	مجبوبی	قرائتی	فولادوند	صادقی تهرانی	خرمدل	بهرام‌پور	آیتی	انصاریان	الهی قمشاهی	خرمشاهی	
22%	15%	34%	50%	38%	31%	33%	33%	38%	28%	16%		خرمشاهی
29%	18%	19%	24%	28%	19%	13%	30%	22%	21%		16%	الهی قمشاهی
30%	21%	35%	40%	27%	26%	21%	35%	29%		21%	28%	انصاریان
23%	19%	38%	36%	32%	27%	26%	34%		29%	22%	38%	آیتی
37%	26%	41%	38%	27%	19%	26%		34%	35%	30%	33%	بهرام‌پور
18%	12%	26%	36%	21%	21%		26%	26%	21%	13%	33%	خرمدل
19%	20%	22%	27%	58%		21%	19%	27%	26%	19%	31%	صادقی تهرانی
20%	19%	26%	34%		58%	21%	27%	32%	27%	28%	38%	فولادوند
37%	22%	39%		34%	27%	36%	38%	36%	40%	24%	50%	قرائتی
29%	26%		39%	26%	22%	26%	41%	38%	35%	19%	34%	مجبوبی
22%		26%	22%	19%	20%	12%	26%	19%	21%	18%	15%	معزی
	22%	29%	37%	20%	19%	18%	37%	23%	30%	29%	22%	مکارمشیرازی
37%	26%	41%	50%	58%	58%	36%	41%	38%	40%	30%	50%	بیشینه
18%	12%	19%	22%	19%	19%	12%	19%	19%	21%	13%	15%	کمینه

جدول مقایسه ناهمسانی‌ها به عدد

مکارمشیرازی	معزی	مجتبوی	قرائتی	فولادوند	صادقی تهرانی	خرمدل	بهرام‌پور	آیتی	انصاریان	الهی قمشهای	خرمشاهی	
۷۶	۸۳	۶۵	۴۹	۶۱	۶۸	۶۶	۶۶	۶۱	۷۱	۸۲		خرمشاهی
۷۰	۸۰	۷۹	۷۴	۷۱	۷۹	۸۵	۶۹	۷۶	۷۷		۸۲	الهی قمشهای
۶۹	۷۷	۶۴	۵۹	۷۲	۷۳	۷۷	۶۴	۷۰		۷۷	۷۱	انصاریان
۷۵	۷۹	۶۱	۶۳	۶۷	۷۲	۷۳	۶۵		۷۰	۷۶	۶۱	آیتی
۶۲	۷۳	۵۸	۶۱	۷۲	۷۹	۷۳		۶۵	۶۴	۶۹	۶۶	بهرام‌پور
۸۰	۸۶	۷۳	۶۳	۷۷	۷۷		۷۳	۷۳	۷۷	۸۵	۶۶	خرمدل
۷۹	۷۸	۷۶	۷۲	۴۱		۷۷	۷۹	۷۲	۷۳	۷۹	۶۸	صادقی تهرانی
۷۸	۷۹	۷۳	۶۵		۴۱	۷۷	۷۲	۶۷	۷۲	۷۱	۶۱	فولادوند
۶۲	۷۶	۶۰		۶۵	۷۲	۶۳	۶۱	۶۳	۵۹	۷۴	۴۹	قرائتی
۷۰	۷۳		۶۰	۷۳	۷۶	۷۳	۵۸	۶۱	۶۴	۷۹	۶۵	مجتبوی
۷۶		۷۳	۷۶	۷۹	۷۸	۸۶	۷۳	۷۹	۷۷	۸۰	۸۳	معزی
	۷۶	۷۰	۶۲	۷۸	۷۹	۸۰	۶۲	۷۵	۶۹	۷۰	۷۶	مکارمشیرازی
80	86	79	76	79	79	86	79	79	77	85	83	بیشینه
62	73	58	49	41	41	63	58	61	59	69	49	کمینه

جدول مقایسه ناهمسانی‌ها به درصد

مکارمشیرازی	معزی	مجتبوی	قرائتی	فولادوند	صادقی تهرانی	خرمدل	بهرام‌پور	آیتی	انصاریان	الهی قمشهای	خرمشاهی	
78%	85%	66%	50%	62%	69%	67%	67%	62%	72%	84%		خرمشاهی
71%	82%	81%	76%	72%	81%	87%	70%	78%	79%		84%	الهی قمشهای
70%	79%	65%	60%	73%	74%	79%	65%	71%		79%	72%	انصاریان
77%	81%	62%	64%	68%	73%	74%	66%		71%	78%	62%	آیتی
63%	74%	59%	62%	73%	81%	74%		66%	65%	70%	67%	بهرام‌پور
82%	88%	74%	64%	79%	79%		74%	74%	79%	87%	67%	خرمدل
81%	80%	78%	73%	42%		79%	81%	73%	74%	81%	69%	صادقی تهرانی
80%	81%	74%	66%		42%	79%	73%	68%	73%	72%	62%	فولادوند
63%	78%	61%		66%	73%	64%	62%	64%	60%	76%	50%	قرائتی
71%	74%		61%	74%	78%	74%	59%	62%	65%	81%	66%	مجتبوی
78%		74%	78%	81%	80%	88%	74%	81%	79%	82%	85%	معزی
	78%	71%	63%	80%	81%	82%	63%	77%	70%	71%	78%	مکارمشیرازی
82%	88%	81%	78%	81%	81%	88%	81%	81%	79%	87%	85%	بیشینه
63%	74%	59%	50%	42%	42%	64%	59%	62%	60%	70%	50%	کمینه



### جدول بررسی مقابله‌ای میزان شباهت‌ها و تفاوت‌های ناشی از ترادف

اکنون پس از همه بررسی‌های صورت گرفته، نتایج ترجمه‌هایی که بیشترین همسانی و ناهمسانی را با همدیگر داشته‌اند و نیز نسبت درصدی این بیشترین شباهت‌ها و تفاوت‌ها در دو سوره مورد بررسی حسب جدول زیر است:

ترجمه مورد بررسی	بیشترین تفاوت‌ها با ترجمه‌های... با میزان درصد	بیشترین شباهت‌ها با ترجمه‌های... به میزان درصد
خرمشاهی	معزی ۸۵٪ و الهی قمشه‌ای ۸۴٪	قرائتی ۵۰٪
الهی قمشه‌ای	خرمدل ۸۷٪، خرمشاهی ۸۴٪	بهرام‌پور ۳۰٪ و مکارم‌شیرازی ۲۹٪
انصاریان	الهی قمشه‌ای و خرم‌دل و معزی هر سه ۷۹٪	قرائتی ۴۰٪
آینی	معزی ۸۱٪ و الهی قمشه‌ای ۷۸٪ و مکارم‌شیرازی ۷۷٪	خرمشاهی و مجتبیوی هر دو ۳۸٪
بهرام‌پور	ترجمه صادقی‌تهرانی ۸۱٪	مجتبیوی ۴۱٪
خرمدل	معزی ۸۸٪ و الهی قمشه‌ای ۸۷٪	قرائتی ۳۶٪ و خرمشاهی ۳۳٪
صادقی‌تهرانی	مکارم‌شیرازی و الهی قمشه‌ای و بهرام‌پور هر سه ۸۱٪ و معزی ۸۰٪ و خرم‌دل ۷۹٪ و مجتبیوی ۷۸٪	فولادوند ۵۸٪
فولادوند	معزی ۸۱٪ و مکارم‌شیرازی ۸۰٪ و خرم‌دل ۷۹٪	صادقی‌تهرانی ۵۸٪
قرائتی	معزی ۷۸٪ و الهی قمشه‌ای ۷۶٪	خرمشاهی ۵۰٪
مجتبیوی	الهی قمشه‌ای ۸۱٪ و صادقی‌تهرانی ۷۸٪	بهرام‌پور ۴۱٪ و قرائتی ۳۹٪ و آینی ۳۸٪
معزی	خرمدل ۸۸٪ و خرمشاهی ۸۵٪	بهرام‌پور و مجتبیوی هر دو ۲۶٪
مکارم‌شیرازی	خرمدل ۸۲٪ و صادقی‌تهرانی ۸۱٪ و فولادوند ۸۰٪ و خرمشاهی و معزی ۷۸٪	بهرام‌پور و قرائتی هر دو ۳۷٪

### نتیجه‌گیری

۱- تعداد دقیق تفاوت‌های ترجمه‌ای میان این مترجمان در دو سوره شمس و بلد ۱۰۲ تفاوت است که نسبت شباهت‌ها با تفاوت‌ها در معادل‌یابی واژگان فارسی این ترجمه‌ها حاکی از تفاوت معناداری است، به طوری که حداقل نسبت همسانی‌ها ۱۲٪ و بالاترین نسبت ناهمسانی‌ها ۸۸٪ میان خرم‌دل و معزی است که نشان‌دهنده کمترین تأثیر و تأثر میان این دو است؛ درحالی‌که حداکثر شباهت‌ها ۵۸٪ و کمترین تفاوت‌ها ۴۲٪ بین فولادوند و صادقی‌تهرانی است که نشان از بالاترین تأثیر و تأثر میان این دو مترجم قرآنی دارد.

۲- بالا بودن نسبی نسبت تفاوت‌ها در مقایسه با شباهت‌ها میان این ترجمه‌ها به‌طور کل، نشان‌دهنده تلاش مترجمان برای ایجاد ناهمسانی در معادل‌یابی برابر نهاده‌های فارسی به‌ازای



واژگان قرآنی با به‌کارگیری پدیدهٔ ترادف/هم‌معنایی در زبان فارسی است تا از این رهگذر، ترجمه‌ای متفاوت با ترجمه‌های پیش از خود ارائه دهند.

۳- تقریباً همگی این ناهمسانی‌ها ناشی از وجود هم‌معنایی/ترادف در زبان فارسی و در تلاش مترجمان به‌منظور ۱- ایجاد تفاوت در ترجمه‌های خود نسبت به دیگر ترجمه‌ها، ۲- انتخاب معادل‌های بهتر و زیباتر برای واژه‌های قرآنی، ۳- دقت بیشتر در زمینهٔ ترجمهٔ این واژه‌ها، ۴- تمرکز روی ساخت‌های صرفی این واژگان و یا ۵- دادن صبغه‌های خاص به آن‌ها صورت گرفته است، لذا با وجود کثرت اهداف در این تفاوت‌ها، ابزار و وسیلهٔ این ناهمسانی‌سازی‌ها تنها پدیدهٔ ترادف/هم‌معنایی است؛ چه آن‌گاه که دایرهٔ هم‌معنایی این برابرنهاده‌های فارسی اندک می‌شود، ما شاهد کثرت این شباهت‌ها و اندک بودن تفاوت‌ها هستیم و آن‌جا که یک واژه، خانوادهٔ هم‌معنا/مترادف بیشتری دارد، میزان این ناهمسانی‌ها بیشتر و به‌تبع آن، میزان همسانی‌ها در ترجمه‌ها کمتر می‌شود؛ که این نشان از کاربست انبوه پدیدهٔ زبان‌شناسانهٔ ترادف/هم‌معنایی در زبان فارسی، توسط مترجمان قرآنی مورد بررسی دارد.

## منابع

- قرآن کریم، ۱۲ مترجم متفاوت.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق. لسان العرب. تحقیق: جمال‌الدین میردامادی. چاپ ۳. بیروت: دارالفکر.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. ۱۳۸۱ش. دانشنامهٔ قرآن. ج ۱. چاپ ۲. تهران: انتشارات دوستان-ناهد.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۰ش. سیر بی‌سلوک. تهران: انتشارات م‌عین.
- جواهری، سید محمد محسن. ۱۳۸۹ش. درسنامهٔ ترجمه اصول مبانی و فرآیند ترجمهٔ قرآن کریم. چاپ ۲. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صفوی، کورش. ۱۳۸۷ش. درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: سورهٔ مهر.
- کوشا، محمدعلی. ۱۳۸۶ش. ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازوی نقد. ج ۱. قم: انتشارات کتاب مبین.
- معرفت، محمدهادی. ۱۳۹۳ش. تاریخ قرآن. تهران: انتشارات سمت.

## مقالات

- ابراهیمی، ابراهیم و اصغر طهماسبی‌بلداجی و باب‌الله محمدی‌نبی‌کندی. ۱۳۹۳ش. «تحلیل و بررسی افزوده‌های تفسیری در شش ترجمهٔ معاصر قرآن کریم (با محوریت سورهٔ اِسراء)»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۴، شماره ۱۱.
- اجاق‌فقیهی، محمدتقی. ۱۳۷۵ش. «کتاب‌شناسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم». مطالعات تاریخی قرآن و حدیث. شماره ۵.

- اسعدی، مرتضی. ۱۳۶۵ش. «کتاب‌شناسی جهانی ترجمه‌های قرآن مجید». نشر دانش. سال ۶.
- امیری‌فر، محمد و کبری روشنفر و خلیل پروینی و عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا. ۱۳۹۵ش. «چالش‌های ترجمه در باهم‌آیی‌های قرآنی (بررسی موردی: ترکیب‌های وصفی و اضافی)». مطالعات ترجمه قرآن و حدیث. دوره ۳. شماره ۵.
- ایزدی، مهدی و باباله محمدی‌نی‌کندی. ۱۳۹۴ش. «بررسی موردی افزوده‌های تفسیری در شش ترجمه معاصر قرآن». فصلنامه مطالعات قرآنی. سال ۶. شماره ۲۱.
- آسه، جواد. ۱۳۹۰ش. «درنگی در ترجمه فعل‌های کاد/یکاد/لایکاد و لم‌یکد در ترجمه‌های قرآن». معرفت. سال ۲۰. شماره ۱۶۴.
- برهانیان، عبدالحسین. ۱۳۸۵ش. «بررسی و نقد ترجمه‌های موجود قرآن ۱». مریبان. شماره ۲۰.
- پرچم، اعظم و زهرا انصاری‌طادی. ۱۳۹۶ش. «نقش قراین درون‌متنی و برون‌متنی در مراتب ترادف واژه‌های قرآن». مطالعات ادبی متون اسلامی. سال ۲. شماره ۲. پیاپی ۶.
- حاجی‌خانی، علی و توحید پاشائی. ۱۳۹۳ش. «روش‌شناسی ترجمه تضمین نحوی در برخی ترجمه‌های معاصر قرآن کریم». انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی. شماره ۳۰.
- خانی‌کلکای، حسین و کوثر حلال‌خور. ۱۳۹۴ش. «بررسی ترجمه و معادل ساختاری مفعول مطلق با محوریت ترجمه فولادوند (بررسی موردی سوره نساء)». پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی. سال ۵. شماره ۱۲.
- خزاعی‌فرید، علیرضا و خلیل قاضی‌زاده. ۱۳۹۴ش. «تأثیر هنجارها بر روند ترجمه (مورد پژوهی: ترجمه‌های معاصر قرآن مجید)». مطالعات زبان و ترجمه. شماره ۳.
- خلیلی‌زاده گنجعلیخانی، مرضیه و آناهیتا امیرشجاعی. ۱۳۹۷ش. «مطالعه تطبیقی کاربرد استراتژی‌های ترجمه نیومارک در ترجمه قرآن». مطالعات قرآنی. سال ۹. شماره ۳۳.
- رضی‌بهبادی، بی‌بی‌السادات. ۱۳۷۷ش. «ترجمه‌های معاصر و امروزین قرآن کریم از الهی‌قمشه‌ای تا خرمشاهی». فقه و حقوق خانواده (ندای صادق). سال ۳. شماره ۱۲.
- زارع، عبدالرضا و حسین مهتدی. ۱۳۹۷ش. «تأثیرپذیری ترجمه‌های تحت‌اللفظی و جمله‌به‌جمله قرآن کریم از حرف باء سببیت (مطالعه موردی سوره بقره و آل‌عمران در ترجمه معزی و آیتی)». پژوهش‌های قرآنی. سال ۲۳. شماره ۴. پیاپی ۸۹.

- سلیمانی، زهرا. ۱۳۹۰ش. «قرآن رخ‌نمایی و بالندگی علوم بلاغی». فدک سبزواریان/ فصلنامه مطالعات قرآنی. سال ۲. شماره ۸. صص ۹۱-۱۰۸.
- شمس‌آبادی، حسین و مهدی ممتحن. ۱۳۹۱ش. «اعجاز توانش زبانی و کاربرد واژگانی قرآن». فصلنامه مطالعات قرآنی. دوره ۳. شماره ۱۱. صص ۸۵-۶۳.
- مسبوق، مهدی و علی‌حسین غلامی‌یلقون‌آقاج. ۱۳۹۷ش. «نقد و بررسی شیوه‌های معادل‌یابی واژگانی در ترجمه قرآن، با تکیه بر تحلیل مؤلفه‌های معنای واژگان». پژوهش‌های قرآنی. سال ۲۳. شماره ۱. پیاپی ۸۶.
- مصباح، کاظم. ۱۳۹۶ش. «قاعده ترجمه لغات مشترک فارسی و عربی و بررسی آن در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم». پژوهش‌های قرآنی. سال ۲۲. شماره ۲. پیاپی ۸۳.
- ممتحن، مهدی، ۱۳۸۸ش. «امامت و دیدگاه قرآن و اندیشمندان». فصلنامه فدک سبزواریان/ فصلنامه مطالعات قرآنی. سال ۱. شماره ۱. صص ۱۶۳-۱۴۹.
- \_\_\_\_\_ و مهین حاجی‌زاده. ۱۳۸۹ش. «موسیقی و نظم آوایی قرآن کریم». فدک سبزواریان/ فصلنامه مطالعات قرآنی. سال ۱. شماره ۴. صص ۱۷۳-۱۹۰.
- \_\_\_\_\_ و بدیع‌الله صدیقی. ۱۳۹۳ش. «بررسی و تبیین ذکر در سوره انشراح». فصلنامه مطالعات قرآنی. سال ۵. شماره ۱۹. صص ۹۱-۱۰۷.
- \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ ۱۳۹۲ش. «بررسی عرفانی آخرین سخن خدا با آخرین پیامبر». فصلنامه مطالعات قرآنی. سال ۴. شماره ۱۴. صص ۶۵-۴۷.
- \_\_\_\_\_ و فاطمه قربانی. ۱۳۹۳ش. «نماد عنکبوت و زنبور عسل در قرآن و مثنوی». فصلنامه مطالعات قرآنی. سال ۵. شماره ۱۷. صص ۱۵۷-۱۷۲.
- موسوی، فهمیه و مهدی ممتحن و مجید خزاعی و سید حسین عبداللهی برایی. ۱۳۹۲ش. «معماری زنبور عسل از دیدگاه قرآن و معماری مدرن». فصلنامه مطالعات قرآنی. سال ۴. شماره ۱۳. صص ۹-۲۲.
- ناصری، مهدی و مصطفی شیروی‌خورانی و محمودرضا توکلی‌محمدی. ۱۳۹۳ش. «ترجمه‌های تحت‌اللفظی معاصر قرآن کریم به زبان فارسی، برتری‌ها و کاستی‌ها». مطالعات ترجمه قرآن و حدیث. دوره ۱. شماره ۲. نکونام، جعفر. ۱۳۸۴ش. «ترادف در قرآن کریم». مجله پژوهش دینی. شماره ۱۲.

#### COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

**ارجاع:** کمالجو مصطفی، شاهرخ مهدی، نقش هم‌معنایی در شکل‌گیری ناهمسانی‌های واژگان برابرنهاده در ترجمه‌های فارسی قرآن (موردکاو: سوره‌های شمس و بلد در دوازده ترجمه معاصر)، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۹۶-۵۷.